ماندگار

روزنامۀ صبح افغانستان

چاپ همزمان: کابل – هرات

پخش همزمان: بلخ، پروان، پنجشیر، میدان وردگ و کاپیسا

www.mandegardaily.com

سال پنجم ❁ شمارۀ یکهزار دو صدو دهم ❁ شنبه ۱۴ جدی/دی ۱۳۹۲ ❁ ۲ ربیع الاول ۱۴۳۵ ❁ ۴ جنوری ۲۰۱۴

فرناندو پسوا

احساس، زنده‌گی را که هیچ است، به بی‌نهایت هدایت می‌کند.

رهایی طالبان به خاطر انتخابات

صفحه ۷

کمیسیون انتخابات:

۷۰ درصد آمادۀ برگزاری انتخابات هستیم

هفتاد در صد آماده‌گی‌ها برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و شورای ولایتی گرفته شده و انتقال مواد غیر حساس به ولایات ادامه دارد.

مسوولان کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان با اعلام این خبر می‌گویند که روند استخدام کارمندان انتخاباتی را تا دو هفته دیگر آغاز خواهند کرد.

ضیا الحق امر خیل، رییس دبیرخانۀ کمیسیون مستقل انتخابات گفت که ما به شدت تلاش می‌کنیم که انتخابات در افغانستان به وقت معین آن در شانزدهم ماه حمل برگزار گردد.

آقای امرخیل روز پنجشنبه در یک گردهمایی نهادهای جامعۀ مدنی افغانستان برای تحکیم روند انتخاباتی، به آماده‌گی های کمیسیون...

ادامه صفحه ٦

هشدار سناتوران امریکایی به کرزی:

متوجه عواقب خطرناک آزادسازی زندانیان باشید

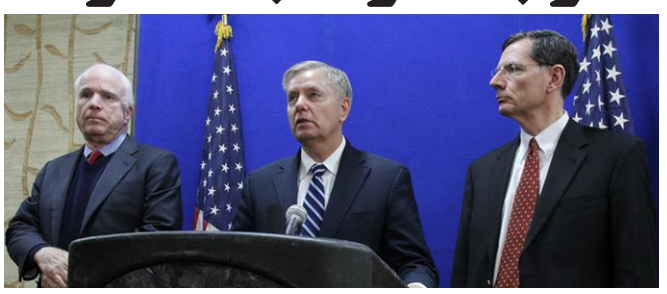

رییس‌جمهوری افغانستان دیدار کرده و درباره اقدامات دولت کابل از جمله آزاد کردن زندانیان بگرام به او هشدار دادند.

مقامات امریکایی معتقدند، این زندانیان از اعضای طالبان یا گروه‌های وابسته به آن هستند که به کشتن ۱۱۷ تن از نیروهای افغانستانی یا نیروهای بین‌المللی متهمند.

این سناتورها همچنین می‌گویند که کرزی شخصاً به آن‌ها در این خصوص اطمینان داده است که هیچ یک از کسانی که به نیروهای ناتو حمله کرده‌اند، آزاد نخواهند شد.

گراهام پس از دیدار با کرزی در این خصوص گفت: اتخاذ چنین تصمیمی ضربه‌یی غیرقابل‌جبران به روابط دوجانبه خواهد زد و کنگره امریکا نیز واکنشی شدید نشان خواهد داد.

هشدار دربارۀ پیامدهای عدم امضای پیمان امنیتی

لنزی گراهام سناتور امریکایی پس از دیدار با حامد کرزی در باره پیامدهای امضا نشدن پیمان امنیتی کابل – واشنگتن هشدار داد.

لنزی گراهام گفت: اگر دولت افغانستان، پیمان امنیتی کابل–واشنگتن را تا یک ماه دیگر امضا نکند، افغانستان به عراقی دیگر تبدیل خواهد شد.

گراهام تهدید کرد در صورت امضا نشدن پیمان امنیتی امریکا و افغانستان کمک های واشنگتن به افغانستان قطع خواهد کرد.

سناتور امریکایی افزود: امریکا در شرایط کنونی که پیمان امنیتی دو کشور امضا نشده نمی داند چه میزان نیروهای خود را در افغانستان حفظ کند.

گراهام در عین حال ضمن ابراز امیدواری به امضای سریع پیمان امنیتی کابل – واشنگتن مدعی شد در دیدار با حامد کرزی بسیاری از اختلاف‌های دو طرف در زمینه پیمان امنیتی کابل –...

ادامه صفحه ٦

گروهی از سناتورهای امریکایی در جریان سفرشان به کابل، نسبت به آزادی شتاب‌زده تعداد زیادی زندانی که به حمله به نیروهای امریکایی، نیروهای امنیتی افغانستان و مردم کشور متهم هستند، هشدار دادند.

لنزی گراهام و جان مک‌کین، سناتورهای جمهوری‌خواه امریکایی که بارها به افغانستان سفر کرده‌اند و از حامیان ادامه حضور امریکا در این کشورند، به همراه جان باراسو، یک سناتور جمهوری‌خواه دیگر با حامد کرزی،

عربستان دربارۀ سرنوشت افغانستان با پاکستان گفت‌وگو می‌کند

سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی به منظور گفت‌وگو با مقام‌های پاکستانی دربارۀ پیشبرد روند صلح افغانستان، تحولات منطقه‌یی و روابط دوجانبه، سفر رسمی دو روزه‌یی به اسلام آباد خواهد داشت.

رادیو ملی پاکستان روز پنج شنبه به نقل از وزارت امور خارجه این کشور گزارش داد:...

ادامه صفحه ٦

وقتی دومین متفکرِ جهان لب به سخن می‌گشایـــــد...

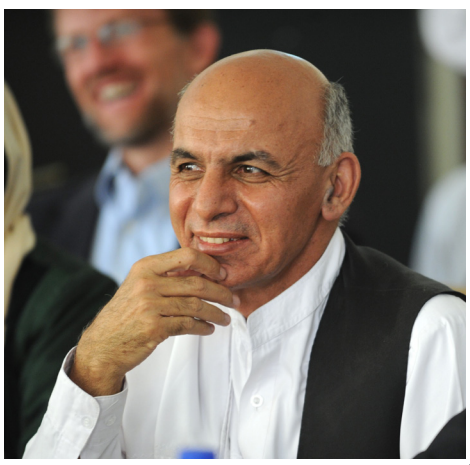

اگر واقعاً آقای احمدزی دومین متفکر جهان باشد، باید گفت که وای بر جهان و وای بر علم و وای بر اندیشه!! چون سخنان آقای احمدزی حتا در حد یک آدم بی‌سواد که هرگز مکتب نرفته و درس نخوانده هم قابل قبول نیست! آقای احمدزی با این سخنان نه تنها به مردم افغانستان اهانت کرد، که حتا به جهان علم و اندیشه نیز توهین بزرگی را روا داشت.

ادامه صفحه ٦

در برگ ها

بررسی پرونده‌های طالبان بعد از رهـــــایی! ۲

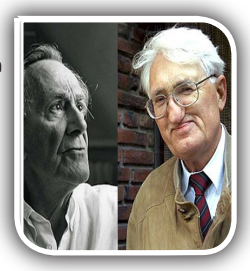

سنجشی میان اخلاقیاتِ هابرماس و لیوتار ۴

ادبـــیات و ســـیاست نگاهی به ارتباط سیاست و ادبیات از نظر جورج اورول ۵

احیای هنرهای کلاسیک افغانی در مرادخانی کـــــابل ۷

سخن ماندگار

پیمان امنیتی و سایهٔ سنگینِ آن بر زنده‌گی مردم

سفر سناتوران امریکایی به افغانستان، دو دریافتِ متفاوت اما به‌هم مرتبط را به‌جا گذاشت. این تعابیر، پس از ملاقاتِ سناتور مک‌کین و گراهام با رییس‌جمهور کرزی پیرامون چندی‌وچونی پیمان امنیتی و نیز اظهار نظر آن دو، در رسانه‌ها به میان آمده است. سناتوران امریکایی گفته‌اند که ایالات متحده دوست ندارد سرنوشت افغانستان چونان سرنوشت عراق گردد. تداوم حضور سایر کشورهای همکار، بسته‌گی به امضای این پیمان دارد. این پیمان به طور قطع، به ایجاد صلح پایدار کمک خواهد کرد. هم‌چنین آن‌ها گفته‌اند که طالبان دشمنِ بشریت‌اند و ایالات متحده مایل نیست که افغانستان بارِ دیگر لانهٔ دشمنانِ بشریت گردد.
این پیام، ظاهر آرامی دارد و از آن بوی دوستی و تعهد به مشام می‌رسد و انگار، ایالات متحده با دولت افغانستان به نتایجی دست یافته است. اما روی دیگر آن، بی‌تردید که به یک هشدار می‌ماند؛ به این معنا که اگر دولت افغانستان این پیمان را با ایالات متحده به امضا نرساند، افغانستان بار دیگر به سال‌های پیش از یازدهم سپتمبر برخواهد گشت.
با آن‌که این سناتوران گفته اند که دیدارشان با آقای کرزی امیدواری‌ها پیرامون امضای این پیمان را بیشتر کرده، اما در خبرنامهٔ ریاست جمهوری افغانستان آمده که آقای کرزی بر خواسته‌هایش در ازای امضای این پیمان، هنوز مصر است.
اکنون پرسش این است که بازی یأس و امیدپراگنیِ آقای کرزی و اوباما تا چه زمانی ادامه خواهد یافت؟
چندی قبل نیز آقای دادفر سپنتا مشاور امنیت ملی آقای کرزی گفته بود که ۹۸ درصد توافق در امضای این پیمان وجود دارد، و تنها دو درصد اختلاف باقی‌ست که آن‌هم به زودی حل خواهد شد. اما ادامهٔ جنجال بر سر این پیمان نشان می‌دهد که هیچ چیز حل نشده و سخنان جناب سپنتا دروغی بیش نبوده است. حتا ملاقات کرزی با سناتوران امریکایی، حلال مشکلات امضای پیمان امنیتی نبوده و ادامهٔ این وضع، شرایط سنگینِ سیاسی، اقتصادی، امنیتی و... را بر مردم افغانستان گسترده است.
از هشدار نرم و سختِ امریکایی‌ها که بگذریم، تأثیرات اقتصادی این پیمان بر زنده‌گی روزانهٔ مردم قابل چشم‌پوشی نیست. از نرخ مواد ارتزاقی گرفته تا وسایل تسخین، همه در ادامهٔ ماجرای پیمان امنیتی افزایش یافته‌اند. شرایط امنیتی به‌شدت بی‌ثبات و متزلزل شده است و از سوی دیگر، نشان دادن چنگ و دندانِ طالبان بیش از پیش.
حالا بماند این‌که چه قدر تأثیرات سوء آن بر فرار سرمایه‌ها از افغانستان مشهود است و یا حکومت را از کارهای اصلی‌اش ـ نظیر آماده‌گی گرفتن برای انتخابات ـ غافل ساخته و یا چه‌قدر در تضعیف روحیهٔ مردم برای آینده‌شان موثر بوده است!
باید یادآور شد که هر دو طرف به اندازهٔ هم به دروغ و تزویر متوسل می‌شوند. مأموران آقای کرزی برای پنهان‌کاری خواسته‌های شخصی رییس جمهور، کار پیمان امضای امنیتی را حل‌شده اعلام می‌دارند و امریکایی‌ها هم برای رسیدن به اهداف استراتژیک و استخباراتی‌شان، سعی دارند که امضای این پیمان را حل‌شده تلقی بدارند. اما در حقیقت، مخالفتِ هر دو طرف بر سر خواسته‌های‌شان ادامه دارد؛ نه آقای کرزی کوتاه می‌آید و نه هم امریکایی‌ها.
با این وصف، روشن نیست که این پیمان چه‌وقت، چه‌گونه و تحت چه شرایطی به امضا خواهد رسید، اما تبعات بدِ آن هر روز و بیش از پیش مردم افغانستان را متضرر می‌سازد، بی‌آن‌که آقای کرزی و همکارانش گوشهٔ چشمی به این گوشهٔ ماجرا بیاندازند و یا انداخته باشند.

حلیمه حسینی

بررسی پرونده‌های طالبان بعد از رهـــــــایی!

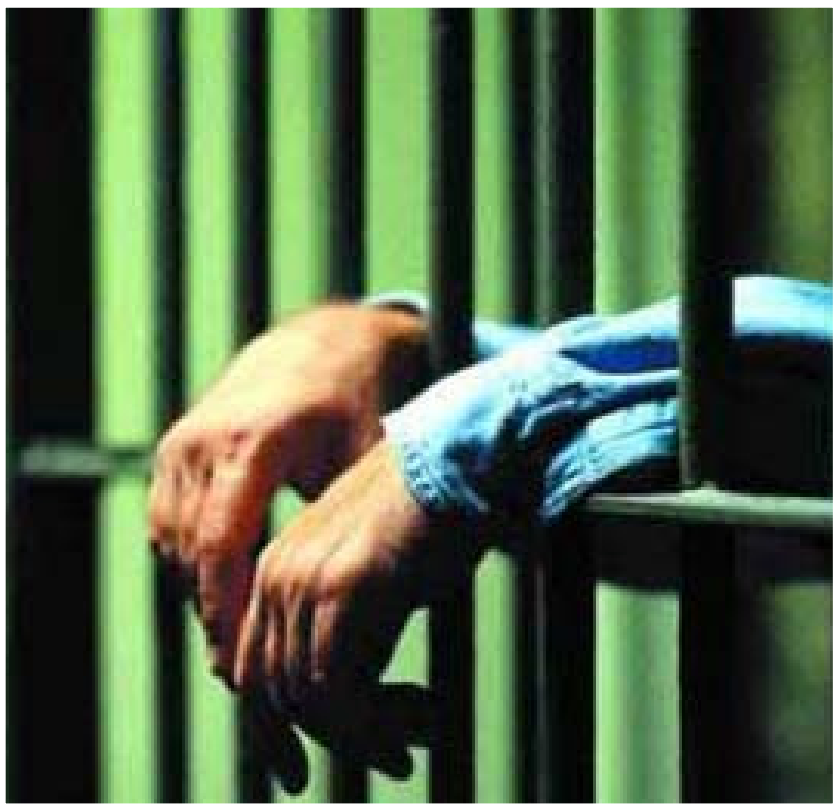

هرقدر به روزهای آخرِ حکومت‌داری جناب آقای کرزی نزدیک می‌شویم، خطاها و ندانم‌کاری‌های بزرگ‌تر و چشم‌گیرتری را از تیم ایشان شاهد می‌شویم. شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل این‌همه خطا و کژکاری که تأثیرات و عواقب وخیمی بر سرنوشتِ مردم افغانستان به همراه دارد، می‌تواند این باشد که این تیم نیک می‌داند که رفتنی‌ست و پیش از رفتن باید تا جایی که ممکن است، به معاملاتِ کلان بر سر سرنوشت این مردم بیاندیشند و از تمام اندوخته‌های خویش در طول بیش از یک دهه به نفع خود کار گیرند. مسالهٔ معامله یا مصالحه با طالبان هم از چندی بدین‌سو به بهانه‌های مختلف و به روش‌های شگفت‌انگیزی، راه درآمدی کلان برای کرزی و تیم طالب‌دوستش بوده است. تا جایی که اخیراً آزادی بیش از چندصد تن از افراد گروه طالبان که تقریباً بیش از نیمی از آن‌ها به جرم دهشت‌افکنی و بمب‌گذاری و عملیات انتحاری و جنایاتی از این‌دست در بند بوده‌اند، هنرنمایی و خودشیرینیِ کلانی برای دوستان طالبی به شمار می‌رفت که فردای بعد از ۲۰۱۴ قرار است در دستگاه قدرت و تعیین سرنوشتِ این مردم، حقی و مقامی داشته باشند!! جای تعجب نیست که در واپسین روزهای حکومتِ جناب آقای کرزی یک چنین حاتم‌بخشی‌هایی را شاهد استیم؛ حاتم‌بخشی‌هایی از حساب و اعتبار امنیتی مردم بدبخت و مفلوک ما و تبدیل این اعتبارهای غیرنقدی به دالر و دیگر ارزهای رایج، تا بتواند تا چند نسل بعد هم سیاست‌مداران امروز افغانستان را تأمین کند. اما افسوس که اغلب می‌بینیم این حاتم‌بخشی‌ها، به قیمت تضییع جان و مال و ناموس مردمی تمام می‌شود که بعد از سقوط طالبان، احساس کرده بودند که دولت به روی کار آمده به کمک جامعهٔ جهانی، به‌واقع برای نهادینه کردنِ عدالت اجتماعی و تأمین امنیت سرتاسری در افغانستان شکل گرفته است. اما بعد از گذشت بیش از یک دهه، امروز به‌خوبی مشخص شده که کمتر کسی در این‌میان برای مردم ما دل می‌سوزاند و اکثریت به فکر منافع خویش استند و تلاش دارند که به نوعی از افغانستانِ هزار تو و هزار چهره، فرصتی بسازند برای خود تا در منطقه جای پایی برای تأمین منافعِ درازمدتِ خویش داشته باشند.

طالبان آزاد می‌شوند و از سوی مردم و رسانه‌ها نقد و انتقاد آغاز می‌گردد؛ مردمی که کم‌کم یاد گرفته‌اند تجمعات مدنی داشته باشند، فریاد بزنند و صدای خود را هرچند ناهمگون و بدون یک سازمان‌دهی درست، به مقامات بشنوانند، و رسانه‌هایی که لنگان‌لنگان مشق دموکراسی می‌کنند تا هرچه بیشتر به مردم این اطمینان را بدهند که می‌شود به آن‌ها اعتماد کرد و گاهی ندانم‌کاری‌های دست‌اندرکاران قدرت به حدی واضح و نابخشودنی‌ست که دیگر نمی‌توان بر آن پرده انداخت و دم بر نیاورد؛ تا جایی که حتا رسانه‌های کاملاً تجاری و یا وابسته نیز آزادی این حجم از طالبان را بدون حساب‌وکتاب و آن‌هم در یک چنین شرایط سخت و حساسی محکوم کردند. اما در نهایت، تحت فشار افکار عمومی و حتا مخالفت‌های متحدان غربی، جناب آقای کرزی تصمیم گرفتند که دستور دهند که دوباره پروندهٔ تنی چند از این بزرگواران از بند رها شده را روی دست گرفته و بازخوانی کنند!! عجبا از این‌همه ندانم‌کاری مضحک، خطای فاحش، و از این‌همه وقاحت‌های آشکار!

طالبان آزاد می‌شوند و از سوی مردم و رسانه‌ها نقد و انتقاد آغاز می‌گردد؛ مردمی که کم‌کم یاد گرفته‌اند تجمعات مدنی داشته باشند، فریاد بزنند و صدای خود را هرچند ناهمگون و بدون یک سازمان‌دهی درست، به مقامات بشنوانند، و رسانه‌هایی که لنگان‌لنگان مشق دموکراسی می‌کنند تا هرچه بیشتر به مردم این اطمینان را بدهند که می‌شود به آن‌ها اعتماد کرد و گاهی ندانم‌کاری‌های دست‌اندرکاران قدرت به حدی واضح و نابخشودنی‌ست که دیگر نمی‌توان بر آن پرده انداخت و دم بر نیاورد؛

کسی نیست که بگوید این قدرتِ بخشش و از بند رها کردن و بعد دوباره در بند کردن، به چه استناد و پایه و منطقی به شما داده شده است که به این راحتی می‌بخشید، رها می‌کنید و بعد دوباره تصمیم می‌گیرید که پروندهٔ برخی‌ها را باید بازخوانی کنید!! چه هزینه‌هایی که مردم ما متحمل شدند تا این جنایت‌کاران دستگیر شوند، چه جوان‌هایی که به شهادت رسیدند و چه خون‌هایی که بر زمین ریختند تا این تروریستان و دهشت‌افکنان زندانی شوند، حال به همین راحتی و ساده‌گی بعد از این‌که پرده از صد در صد شتاب‌زده و اشتباه بودنِ این تصمیمات برداشته می‌شود، امر به بررسیِ دوبارهٔ این پرونده‌ها داده می‌شود!!
باید از کرزی صاحب پرسید برای دوباره در بند کردن این از بند رها شده‌ها، چه تاوان‌ها و هزینه‌های دیگری را باید بپردازیم؟ چند جوانِ دیگرِ این وطن باید به خاک و خون کشیده شود تا کسانی که به اشتباه رها شده‌اند، دوباره دستگیر شوند؟ و مهم‌تر از همه این‌که چه تضمینی وجود دارد که دوباره بتوان بعد از بازخوانی این پرونده‌ها، گناه‌کاران را بازداشت کرد؟ آیا عاقلانه این نبود که قبل از صدور و اجرای دستور آزادی، هزار بار فکر و تحقیق می‌شد تا همین امنیتِ نیم‌بند و شکنندهٔ مردم ما به خطر نمی‌افتاد؟
آیا چنین تصمیم‌های غلط و نابه‌هنگام و فاجعه‌بار، خیانت و جنایتِ ملی نام نمی‌گیرد؟ اگر از درک این حاتم‌بخشیِ، چندهزار شهروند بی‌گناه ما قربانیِ حملاتِ این بخشیده‌شده‌ها قرار گیرند، مستقیماً کسانی که بر پای برگ آزادی آن‌ها امضا کرده‌اند، شریک جرم و جنایت نیستند؟
این روزها تلخ‌ترین و حساس‌ترین روزهای بعد از شکل‌گیری دولت جناب کرزی است، به خاطر این‌که قدرت و منابع ثروت کشور در حال تکه تکه شدن و به معامله گذاشته شدن قرار دارد. همه چیز در گروگان تیم حاکم است؛ امنیت، صلح، ثبات، انتخابات، امضای پیمان‌ها، تعهدات، حتا سرنوشت جنگ‌وصلح ما و... این روزها به گروگان گرفته شده‌اند تا قدرتی که با خون و فساد در دست این بزرگواران تجمع یافته، به گونه‌یی دوباره به نام آن‌ها شود و آن‌گاه شاید گلوگاه فشردهٔ این ملت، ذره ذره رها گردد و دوباره مجال تنفسی نصیب برای این مردم میسر شود. در غیر این صورت، مرگ و جنگ و ناامنی و بحران‌های زنجیره‌یی دیگری در راه است تا به این مردم بار بار بفهمانند که در این کشور نه دموکراسی و نه عدالت، که شبکه‌های مافیایی بزرگی حکومت می‌کنند که به این راحتی‌ها نجات از آن‌ها ممکن نیست و طالبان این روزها به عنوان یک بازوی قدرت‌مند این مافیای بزرگ در هر بُعدی به صورت جدی مطرح است. ورنه، چه دلیلی دارد که در آخرین فصل حکومت خود، جناب آقای کرزی بیش از چندصد تن از مجرمان طالبی را آزاد کند که با توجه به موقعیت حساس ما که انتخابات را پیش رو داریم، هر کدام می‌توانند به چرخهٔ عملیات تروریستی و دهشت‌افکنانهٔ‌شان باز گردند و یک خطر و تهدید جدی برای سلامت و امنیت انتخابات شوند؟!!
اما با این‌همه بدسگالی و کژکاری و ندانم‌کاری، بازهم باید مردم ما سخت‌تر و مستحکم‌تر و قاطعانه‌تر به میدان آیند و نگذارند که بیش از این سرنوشت‌شان به بازی گرفته شود و با همت پولادین خود، سلامتِ انتخابات پیش رو را تضمین کنند- هرچند جناب کرزی به تعداد هر صندوق رأی، طالبی را از زندان رها سازد!

سازمان ملل:

جهان در ۲۰۱٤ شاهد بحران‌های بیش‌تری خواهد بود

سازمان ملل پیش بینی کرد: سال ۲۰۱٤ سال ادامه بحران‌های موجود در جهان باشد و در این سال شاهد بحران‌هایی شدیدتری در سراسر جهان باشیم.
به گزارش شبکه خبری الجزیره، والری آموس، معاون دبیرکل سازمان ملل در امور بشردوستانه در کنفرانسی مطبوعاتی درنیویورک اعلام کرد: سال ۲۰۱۳ با بیشترین بحران‌های انسانی و نیازهای شدید و فوری به کمک‌ها به ویژه در سوریه که شاهد جنگ داخلی است و فیلیپین که دچار توفانی سهمگین شد به پایان رسید.
وی افزود: پیش بینی می‌شود سال ۲۰۱٤ سال ادامه بحران‌های موجود در جهان باشد و حتی این بحران‌ها در سال جدید میلادی بدتر شود چرا که هیچ شاخصی وجود ندارد که نشان دهد که سال ۲۰۱٤ با سال گذشته میلادی تفاوتی دارد.
آموس در ادامه گفت: تنها در سوریه حدود ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار تن نیاز فوری به کمک‌های غذایی، بهداشتی و پناهگاه دارند که از این میان ۵ / ٦ میلیون در داخل سوریه به سر می‌برند و ۵ / ۲ میلیون نیز در کشورهای منطقه آواره‌اند.
وی ادامه داد: در فیلیپین نیز ۱٤ میلیون تن به خاطر طوفان سهمگینی که این کشور را در بر گرفت نیاز به کمک‌های انسانی برای بقای زندگی شان دارند و حدود ۸۰۰ هزار تن از آوارگان آفریقای مرکزی نیز نیاز به کمک فوری دارند که از این میان ۵۰۰ هزار نفر در صورت عدم ارسال کمک با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند.
بنا به گفته والری آموس در درگیری‌های سودان جنوبی حدود ۱۹٤ هزار تن در خشونت‌های هفته‌های اخیر مهاجرت کردند که این گروه نیز نیاز به کمک‌های انسانی فوری دارند.
معاون دبیرکل سازمان ملل در امور بشر دوستانه در پایان گفت: سازمان ملل اواخر سال گذشته از کشورهای اهدا کننده خواست تا حدود ۱۳ میلیارد دالر در سال جاری میلادی جهت تامین هیات‌های کمک رسان و ارسال کمک به ۵۲ میلیون نیازمند در ۱۸ کشور جهان از جمله سوریه و فیلیپین جمع آوری کنند.

نخست‌وزیر هند:

کناره‌گیری می کنم

نخست‌وزیر هند اعلام کرد که حتی در صورت پیروزی دوباره حزب کنگره در انتخابات سال جاری میلادی هند برای سومین بار پیاپی، او از قدرت کناره‌گیری خواهد کرد.
مانموهان سینگ، نخست‌وزیر هند در یک کنفرانس خبری گفت: پس از برگزاری انتخابات در سال جاری میلادی من طی چند ماه قدرت را به شخص دیگری واگذار خواهم کرد.
سینگ همچنین گفت که حزب کنگره به زودی یک کاندیدای جدید برای تصدی سمت نخست‌وزیری هند معرفی خواهد کرد.
این در حالی است که پیش‌بینی می‌شود که حزب کنگره در انتخابات پیش رو از حزب باهاراتیا جاناتا شکست بخورد. از نارندا مودی به عنوان کاندیدای احتمالی حزب باهاراتیا جاناتا برای تصدی سمت نخست‌وزیری هند یاد می‌شود.

اردوغان:

روند اصلاحات دموکراتیک تسریع می‌یابد

نخست‌وزیر ترکیه از مردم این کشور خواست تا برای مبارزه با توطیه خارجی از وی حمایت کنند.
به گزارش شبکه خبری روسیه الیوم، رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه در سخنانی به مناسبت سال جدید میلادی مردم کشور را به حمایت از وی در مقابل توطیه‌یی فراخواند که گروه‌هایی با حمایت طرف‌های خارجی آن را اجرا می‌کنند.
وی با بیان اینکه تاریخ افرادی را که در این بازی دست دارند، نخواهد بخشید، تاکید کرد: تحقیقات در خصوص مسائل فساد در نهادهای پولیس و دستگاه قضایی برنامه ریزی شده تا دولت را از بین ببرد و نفوذ آن را در خاورمیانه و خارج از آن تضعیف کند.
نخست وزیر ترکیه خاطرنشان کرد: نهادهایی که از موفقیت ترکیه و رشد اقتصادی و سیاست خارجه فعال و طرح‌های جهانی آن خرسند نیستند، توطیه جدیدی را علیه ترکیه اجرا کردند.
اردوغان عنوان داشت: اعتراضات علیه دولت در جون که با سرکوب تظاهرات علیه توسعه پارک گزی در مرکز استانبول در جون تشدید یافت، بخشی از همین توطیه بود. همانطور که رخدادهای پارک گزی در پشت درختان، پارک‌ها و محیط زیست خود را پنهان می‌کرد توطیه ۱۷ دسامبر خود را در مقابل پرده فساد پنهان کرده است.
وی در ادامه گفت: سال ۲۰۱٤ سالی خواهد بود که ما برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا قدم های محکمی برمی‌داریم و روند اجرای اصلاحات دموکراتیک نیز افزایش خواهد یافت.

پولیس پاکستان بمب کارگذاشته شده نزدیک منزل مشرف را خنثی کرد

مقامات پاکستان اعلام کردند که پولیس این کشور بمبی را که نزدیکی منزل پرویز مشرف کار گذاشته شده بود، خنثی کرده است.
این بمب که در نزدیکی منزل پرویز مشرف، رییس جمهوری پیشین و فرمانده ارتش پاکستان کار گذاشته شده بود، ساعاتی پیش از خروج وی برای حضور در دادگاه رسیدگی به پرونده «خیانت به کشور» خنثی شد.
نیر سلیم، از مسوولان پولیس پاکستان اعلام کرد که مقامات این کشور در زمان جست‌وجو در مسیر منتهی به دادگاه این بمب خودکار را در کنار جاده کشف کردند.
محل کارگذاری این بمب حدود دو کیلومتر با منزل مشرف در حومه اسلام آباد فاصله داشت.
این دومین باری است که پولیس پاکستان در مسیری که مشرف برای حضور در دادگاه از آن عبور می‌کند، مواد منفجره را کشف می‌کند. در ۳۰ دسمبر نیز چهار بمب کوچک در همان مسیر کشف شد.

روزنامه حریت

سرنوشت ارتش ترکیه چه خواهد شد؟

در حالی که چالش‌ها روز به روز بیشتر شده و ارتش ترکیه در حال کوچکتر شدن است، آموزش در نیروی هوایی این کشور شدت گرفته است.
صنعت دفاعی ترکیه، بر برنامه‌های تمرینی همچون راه‌اندازی مرکز شبیه‌سازی آموزش خلبانی اف ۱٦ و تلاش برای به دست آوردن ۵۲ هواپیمای آموزش پایه، تمرکز کرده است.
در شرایطی که چالش‌های امنیتی داخل ترکیه رو به افزایش است، ارتش ترکیه رو به افول گذاشته است. اما فرماندهی ارتش معتقد است که بهترین راه برای مقابله با این چالش‌ها، آموزش بهتر چه در اصول و چه در عمل است.
تصمیم اخیر دولت ترکیه برای کاهش خدمت سربازی به معنای ۱۰۰ هزار نفر سرباز کمتر برای دومین ارتش بزرگ ناتو است.
آن اقدام مطابق با طرح تغییر عملکرد به سوی نیمه حرفه‌یی شدن ساختار نیروها بود. اما یک مشکل وجود دارد. ممکن است ارتش ترکیه نتواند به اندازه لازم حرفه‌یی عمل کند.
عصمت ییلماز، وزیر دفاع ترکیه، اخیرا در پاسخ به پرسش پارلمان این کشور گفت که در جنوری و فبروری سال جاری میلادی ۱٦۳ خلبان از نیروی هوایی خارج شدند. افراد نزدیک به دولت ترکیه مدعی شدند که خلبان‌هایی که از نیروی هوایی رفتند، از مجرب‌ترین و با تجربه‌ترین آنها بودند.
یک مقام ارشد ارتش گفت: ما می‌دانیم که به آموزش بهتر نیاز داریم. ما به مکانیزمی پیشرفته نیاز داریم.
ترکیه هفته گذشته یک مرکز آموزش شبیه‌سازی اف ۱٦ را راه‌اندازی کرد. به گفته مقامات ترکیه، با استفاده از این پروژه که در سال ۲۰۰۹ کلید آن زده شد، می‌توان بسیاری از پروازهای آموزشی را به جای استفاده از هواپیماهای واقعی با شبیه‌سازها صورت داد. این برنامه همچنین باعث کاهش گسترده هزینه‌های پرواز، کاهش تصادف‌ها در حین آموزش و در دسترس بودن پرواز برای هر زمان، می‌شود.
در همین راستا، آژانس تأمین دفاعی ترکیه در ماه نومبر، مناقصه‌یی برای دریافت ۵۲ هواپیمای آموزش پایه‌یی تدارک داد. از این هواپیماها به منظور آزمایش آمادگی فارغ‌التحصیلان رشته خلبانی برای ادامه دوره آموزشی استفاده می‌شود.
این هواپیماها، جای ناوگان هواپیماهای آموزش پایه‌ای اس اف ۲٦۰ را که در دهه ۹۰ میلادی تحت لیسانس ایتالیا و توسط صنایع هوایی ترکیه مونتاژ شدند و اکنون قدیمی شده‌اند، خواهد گرفت.
اما مقامات صنایع هوایی ترکیه در عین حال گفتند که یک ناوگان ۵۰ فروندی هواپیماهای تمرینی اف ۵ را که توسط شرکت صنایع دفاعی البیت اسراییل به روز شده بودند، در دهه دو هزار میلادی دریافت کرده بودند.
همچنین صنایع هوایی ترکیه اکنون در حال به روزرسانی حدود ٦۰ فروند تی ۳۸ است تا آنها را جایگزین اف پنج‌های قدیمی کند.
علاوه بر این ترکیه حدود ٤۱ فروند هواپیمای «کی تی ا» کوریای جنوبی را نیز در ناوگان آموزشی خود دارد که آنها را در سال ۲۰۰۷ دریافت کرده است. اما ترک‌ها در واقع می‌خواهند که به جای خرید، خود هواپیمای آموزشی تولید کنند.

در همین راستا، اخیراً یک هواپیمای آموزشی داخلی، طراحی و ساخته شده و توانست اجازه پرواز بگیرد. پس از آن در ۲٦ سپتامبر کمیته اجرایی صنایع دفاعی مجوز تولید سریالی این هواپیما را صادر کرد. این هواپیما موسوم به «هورکوش» طبق برنامه، اولین پرواز خود را درسال ۲۰۱٤ انجام می‌دهد.
هواپیمای دو سرنشین هورکوش که ۳۵ سال عمر مفید دارد، می‌تواند با سرعت حداکثر ۵۷٤ کیلومتر بر ساعت و تا ارتفاع ۱۰,۵۷۷ متری پرواز کند. هواپیمای هورکوش در چهار نوع تولید خواهد شد. «هورکوش ای» غیرمسلح است. «هورکوش بی» ورژنی پیشرفته‌تر است. این در حالی است که «هورکوش سی» مسلح است. همچنین صنایع دفاعی ترکیه درصدد است تا ورژن چهارم این هواپیما را برای گشتزنی در سواحل این کشور تهیه کند.
مقامات ارتش ترکیه معتقدند که تا ۲۰۱۷، هواپیماهای کی تی ا، هورکوش، تی ۳۸، اف ۱٦ و هواپیماهای دیگری که آنکارا خواهد خرید، ناوگان آموزشی ترکیه را تشکیل خواهند داد.

بخش نخست

سنجشی میان اخلاقیاتِ هابرماس و لیوتار

بنای کانت، چندان استوار نبود و ضربات کوبنده‌یی از جانب منتقدان دریافت کرد. از آن جمله، هگل، در مقابل فلسفهٔ اخلاق کانت، موضع گرفت. به اعتقاد وی، کانت، تفاوت‌های فردی را در نظر نگرفته و به اصطلاح نسخه‌یی واحد را برای تمام انسان‌ها پیچیده است. بر این اساس، دیگران هم‌چون ذهنی مستقل و مجزا در نظر گرفته نشده‌اند. ما مجاز نیستیم که طرحی یگانه را برای تمامی اذهان تجویز کنیم. کانت با یگانه انگاشتن ساختار ذهنی در تمام افراد بشر، به ساده‌سازی مسأله پرداخت است. وی موقعیت‌ها، ذایقه‌ها، شرایط و خواست‌های متفاوت را به هیچ روی در نظر نیاورده و در دام مطلق‌انگاری گرفتار آمده است

محمدجواد محسنی عراقی

نظریهٔ اخلاقی، در فلسفه‌های پسامدرن موضوعی کاملاً محوری بوده است. از سویی فلاسفه‌یی نظیر لیوتار و مک‌ایتنایر با توجه به تفاوت‌های آدمیان، بر نسبیت قوانین اخلاقی تأکید ورزیده‌اند و از سوی دیگر، امثال هابرماس امکان گفت‌وگوی اخلاقی را وجه مشترکِ انسان‌ها دانسته‌اند و از این طریق به تعمیم پذیری قوانین در اخلاق قایل شده‌اند. هر دوی این رهیافت‌ها به نظر با مشکلاتی مواجه‌اند. به علاوه هرکدام از آن‌ها توسط فلاسفهٔ مخالف، مورد بدفهمی نیز قرار گرفته‌اند. چنان‌که خواهیم دید منشای برخی از انتقادات لیوتار بر هابرماس، ناآگاهی از موضع وی در فلسفهٔ اخلاق بوده است. می‌توان بحرانِ میان این دو نظریه را به طریق ذیل جمع‌بندی کرد:

هر کدام از افراد انسانی، جامعه، زمان و مکان متفاوت و ویژه‌گی‌های فردی متفاوتی دارند. همهٔ این عناصر، به نظرگاه آن‌ها شکل می‌دهند. بنابراین باید به تعداد همهٔ انسان‌ها و بسته به نوع تفکر هر کدام، فلسفهٔ اخلاق وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، تعمیم اخلاقی به هیچ روی ممکن میست. اما در مقابل، اگر نظرگاه‌های فردی، مبین نظریات مختلف در اخلاق باشد و اگر هیچ‌گونه وجه مشترکی میان افراد انسانی در باب اخلاق به دست نیاید، در آن صورت هر کاری مجاز خواهد بود و این امر مخالف فرض پست‌مدرن‌هاست. زیرا امثال لیوتار، پیش‌فرض نظریهٔ اخلاقی‌شان را تساهل و تسامح قرار داده اند. بر این اساس، فلسفهٔ اخلاق مبحثی متناقض و متعارض به نظر می‌رسد که هر طرفِ آن به بن‌بست می‌انجامد. از این روی، آشنایی با استدلال‌های هر کدام از طرفین و انتقادات‌شان از یک‌دیگر می‌تواند راهگشا باشد.

ریشهٔ بحث:

امانویل کانت، در قرن هجدهم و برحسب رویدادهای آن روزگار، پی جوی نظامی اخلاقی بود که عینیت و ضرورت را برای قوانین اخلاقی فراهم آورد. در روزگاری که تنها علوم تجربی، مورد اطمینان و محل توافق انگاشته می‌شدند، اموری بسیار مهم هم‌چون دین، اخلاق و...، نیازمند مبنایی استوار بودند تا هم‌چنان پای برجا بمانند و از دست‌اندازی‌های علوم در امان باشند. کانت گمان می‌کرد که چنین نظامی را بنا کرده است. وی قوانین اخلاقی خویش را برای تمام آدمیان، ضروری و عینی می‌پنداشت و مبنای آن را نه در پدیدارهای خارجی، بلکه در درون انسان‌ها می‌جست. "چنان عمل کن که بتوانی بخواهی عمل تو، به صورت قانونی همه‌گانی درآید." بنای کانت، چندان استوار نبود و ضربات کوبنده‌یی از جانب منتقدان دریافت کرد. از آن جمله، هگل، در مقابل فلسفهٔ اخلاق کانت، موضع گرفت. به اعتقاد وی، کانت، تفاوت‌های فردی را در نظر نگرفته و به اصطلاح نسخه‌یی واحد را برای تمام انسان‌ها پیچیده است. بر این اساس، دیگران هم‌چون ذهنی مستقل و مجزا در نظر گرفته نشده‌اند. ما مجاز نیستیم که طرحی یگانه را برای تمامی اذهان تجویز کنیم. کانت با یگانه انگاشتن ساختار ذهنی در تمام افراد بشر، به ساده‌سازی مسأله پرداخت است. وی موقعیت‌ها، ذایقه‌ها، شرایط و خواست‌های متفاوت را به هیچ روی در نظر نیاورده و در دام مطلق‌انگاری گرفتار آمده است.(Steue- man. ۲۰۰۰:۷٤)

اما این انتقاد هگل نیز چندان بی‌نقص نیست؛ اگر موقعیت‌ها، ذایقه‌ها، شرایط و خواست‌ها نظریات مختلف اخلاقی را برمی‌سازند، چرا این انتقاد هگل را نیز محصول همان عوامل خاص ندانیم؟ (Steuerman. ۲۰۰۰:۷۵) هگل مسلماً برای این سخن خویش حجیت و ضرورت قایل است، اما سخن وی، اعتقاد به عدم امکان حجیت و ضرورت را ایجاب می‌کند. گذشته از این، اگر هیچ‌گونه وجه مشترکی میان فاعل‌های اخلاقی در کار نباشد، بحث اخلاقی به هیچ‌وجه ممکن نیست و بنابراین انتقادات هگل اصلاً امکان بروز نخواهد داشت.(هابرماس. ۱۳۸۱: ۳۲ و ۵۸-۱٤٦)

این بحث‌های طولانی، از مجرای قرون هجدهم و نوزدهم، به سدهٔ بیستم راه یافتند و به مبحثی در میان فلاسفهٔ پسامدرن بدل شدند. لیوتار، نمایندهٔ تفکر پسامدرن در جبههٔ هگل ایستاده و هابرماس نیز به عنوان متفکری انتقادی جانب کانت را گرفته است.

انتقادات هابرماس بر اخلاقیات پسامدرن:

نظریات اخلاقی پسامدرن، از نظر هابرماس با مشکلاتی اساسی مواجه‌اند. به طور کلی می‌توان این مشکلات را در دو مورد خلاصه کرد:

۱ـ خودارجاعی. فلاسفهٔ پسامدرن، با ابراز نظریات خویش، در واقع نظام اخلاقی‌شان را متلاشی می‌کنند. به اعتقاد ایشان هیچ قانون اخلاقی مطلقی وجود ندارد. در نهایت، هر فرد انسانی، عالم و قوانین اخلاقی خویش را دارد و هیچ‌گونه تعمیمی در اخلاقیات ممکن نیست. اما بلافاصله می‌توان پرسش‌های ذیل را طرح نمود: چه‌گونه باید این سخنان را تفسیر کنیم؟ آیا این قول که "هیچ قانون اخلاقی مطلقی وجود ندارد" خود قانون و تجویزی اخلاقی نیست؟ فلاسفهٔ پسامدرن با چه مجوزی این سخنان را به تمامی آدمیان تعمیم داده‌اند، حال آن‌که از نگاه ایشان هیچ‌گونه تعمیمی در اخلاقیات ممکن نیست؟ ایشان چه‌گونه می‌توانند تکلیف همهٔ آدمیان را با این سخنان روشن کنند؟

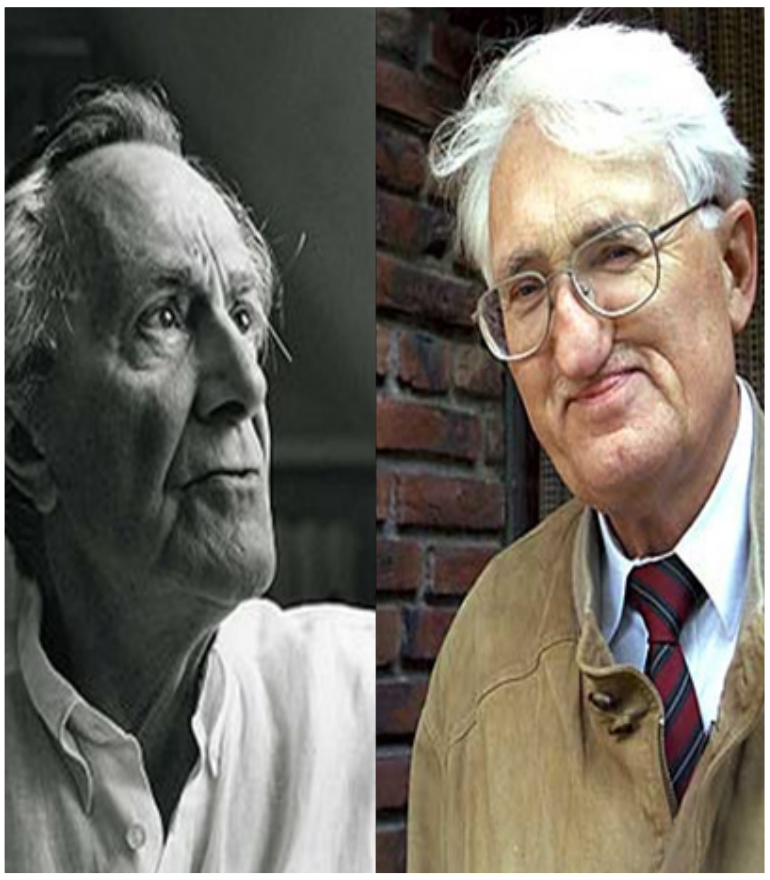

عادتِ نابه‌جایِ شکستنِ قولنـــــج

منشای بسیاری از سردردهای غیرمشخص و حتا تاری دید نیز در همین عادتِ نابه‌جا و خطرناک و فشارهای غیرمعمول به ستون فقرات و گردن است. عروق تغذیه کنندهٔ مغز از گردن عبور می‌کنند و هرگونه فشار به آن‌ها، که بیشتر به واسطهٔ اسپاسم عضلات گردن ایجاد می‌شود، مشکلات مغز و اعصاب را در سطوح مختلف ایجاد خواهد کرد. پس بهتر است تا به عوارض انجام این کار گرفتار نشده‌اید، عادت تکرار آن را از سرتان خارج کنید!

بعضی‌ها عادت دارند با فشار به انگشتان دست، حرکات سریع گردن یا فشار پا بر روی ستون فقرات کمری، به قول معروف، قولنج‌شان را بشکنند یا به قول خودشان، خسته‌گی انگشتان یا کمرشان را از تن به‌در کنند، و به قول فیزیوتراپ‌ها مفاصل را به صدا درآورند. اما متخصصان می‌گویند این کار در صورت تکرار، سلامتِ مفصل‌ها و رباط‌ها را تهدید می‌کند.

صداهایی که به هنگام شکستن قولنج به گوش می‌رسد، فقط برای آگاهی شما از شرایط نامساعد مفصل‌هاست. اگر حرکتی به ایجاد صدا منجر شود، فشار زیادی را به مفصل وارد می‌کند که در نهایت منجر به صدمه دیدنش می‌شود.

در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان این صداها را به دو دسته تقسیم کرد. یک دسته، صداهای حاصل از حرکات مفصلی؛ و دستهٔ دیگر صدای حاصل از قولنج کردنِ مفاصل است که طی یک فشار شدید در انتهای دامنهٔ حرکتی ایجاد می‌شود.

مهم‌ترین عارضهٔ این کار، تضعیف مکررِ عضلاتِ حمایت‌کنندهٔ مفاصل است، چرا که اختلال در سیستم هوش‌مند حمایتی مفاصل، اشکال در ارسال پیام‌ها و پاسخ ندادن به‌موقع و قوی عضلات را در پی دارد و مفاصل مربوطه را دو چندان در معرض صدمه قرار می‌دهد.

از جمله دیگر مضرات این کار، آن است که فشار زیادی به تمام بافت‌های اطرافِ مفصل از جمله عضلات، رباط‌ها و کپسول مفصلی وارد می‌کند. عناصرِ غیرفعال اطراف مفصل که در طول بلند خود قرار می‌گیرند، به مرور افزایش طول می‌دهند و امکان انجام حرکات دقیق را از فرد سلب می‌کنند.

با این کار (شکستاندن قولنج) باید در سن بالا منتظر آرتروز و لرزش دست و پا باشید. احتمال لرزش در سنین بالاتر به علت اختلال در ارتباط گیرنده‌ها و عضلات، کاهش تمرکز و کنترل حرکت دقیق و کاهش ثبات مفصلی نیز وجود خواهد داشت. در این زمینه بروز آرتروز با کاهش فشار عضلانی، حتمی است.

منشای بسیاری از سردردهای غیرمشخص و حتا تاری دید نیز در همین عادتِ نابه‌جا و خطرناک و فشارهای غیرمعمول به ستون فقرات و گردن است. عروق تغذیه کنندهٔ مغز از گردن عبور می‌کنند و هرگونه فشار به آن‌ها، که بیشتر به واسطهٔ اسپاسم عضلات گردن ایجاد می‌شود، مشکلات مغز و اعصاب را در سطوح مختلف ایجاد خواهد کرد.

پس بهتر است تا به عوارض انجام این کار گرفتار نشده‌اید، عادت تکرار آن را از سرتان خارج کنید.

منبع: جام‌جم‌سرا

ادبیات و سیاست

نگاهی به ارتباط سیاست و ادبیات از نظر جورج اورول

هاشم بناءپور

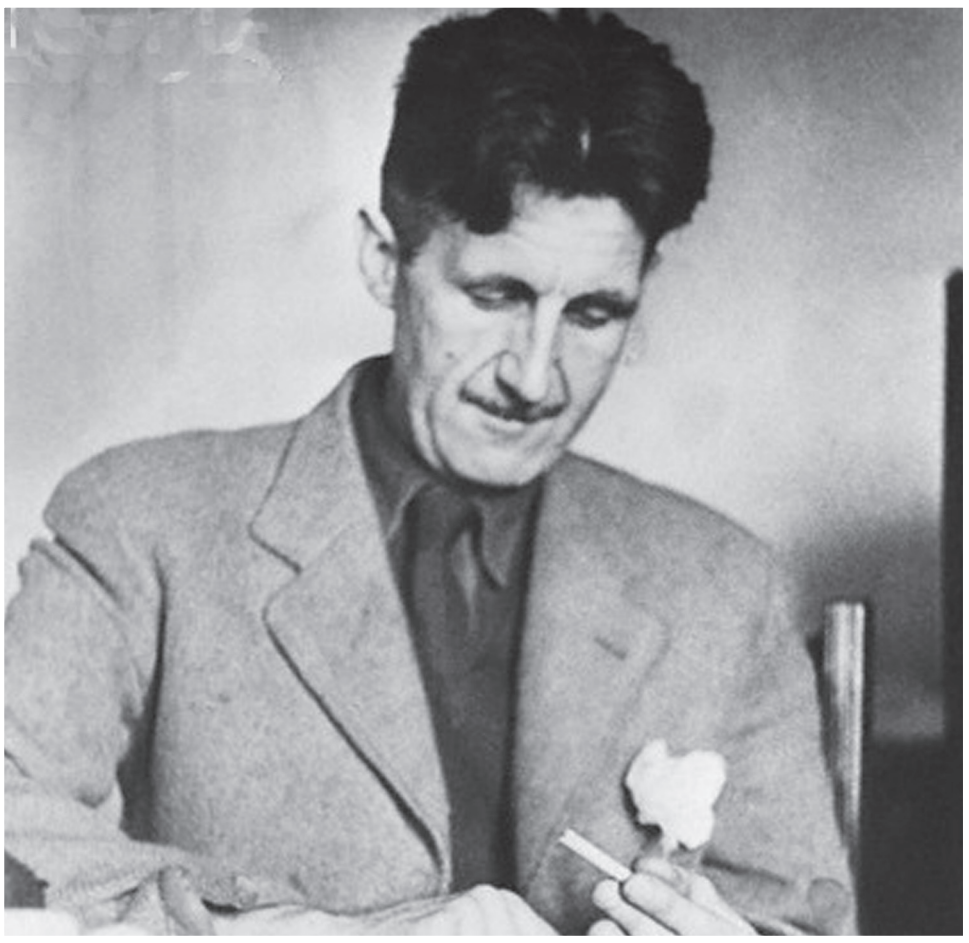

پیش از این‌که به بررسی ادبیات و سیاست از نظرگاه جورج اورول بپردازم، لازم می‌دانم به مسأله‌یی تاریخی در این باب اشاره کنم. در خور تأمل است که در نزد پارسی‌زبانان، نویسنده‌گانی چون اورول، هاینریش بل، کوستلر، اسلاو هاول، میلان کوندرا، گرام گرین یا فیلسوفانی چون برلین، فون هایک، کارل پوپر، کولاکوفسکی، ریمون آرون و ... مغضوبِ گروه‌های چپ پرولتاریایی بوده‌اند، و این غضب به‌نحویَ از انحا در شمَایل مختلف ظهور کرده و می‌کند. این گروه‌ها همواره با توسل به ارادهٔ معطوف به تهمت با این متفکران برخورد می‌کنند. در کل یا به این‌ها لقب صهیونیست می‌دهند یا جاسوس سیا، یا آن‌ها را به انگلیس و کذا... منسوب می‌کنند و گویا این نوع برخوردهای بدوی آن‌ها را پایانی نیست.

بالطبع، شعار نمی‌تواند جایگزین آموزه‌های عقلانی و منطقی شود. پاسخ اندیشه را با اندیشه باید داد. چرا که در عالم هستی و سَاحت جوامع، اندیشه زیربناست، نه سیاست، نه اقتصاد، نه...؛ همهٔ این‌ها شاخه‌یی از اندیشه‌اند. فحش‌پراکنی، نشانهٔ حقارت است و تهمت و انگ زدن، نشانهٔ درمانده‌گی. طرف‌داران دیکتاتوری پرولتاریا با این تاکتیک‌ها به جایی نمی‌رسند، شاید بتوانند سر عده‌یی شیره بمالند، اما سر خود که...؟

پُرمسلم، نمی‌توان با توسل به ارادهٔ معطوف به خودفریبی و تهمت، ضعفِ خود را پوشاند و آن را توجیه کرد. توده‌یی جماعت هنوزَ الفبای نقد را یاد نگرفته و به جای این‌که متن را نقد کند، به نقد انگیزه مؤلف می‌پردازد. نه تنها برای نویسنده‌گان، بلکه برای مترجمان آثارِ آنان نیز انگیزهٔ سیاسی می‌تراشند و به عبارتی، نیت‌شناسیَ می‌کنند. در حالی که انگیزه قابل نقد نیست و اتفاقاً آسان‌ترین نوع سرکوب اندیشه است و کسانی که به این شیوه متوسل می‌شوند، اصلاً صلاحیت علمی ندارند؛ بلکه مصونیت سیاسی دارند و در واقع کار سیاسی می‌کنند. بگذریم، اما جورج اورول.

اولین بار انتشارات پنگوئن برگزیدهٔ مقالات اورول را منتشر کرد.(۱) این کتاب مشتمل است بر ۹ جستار. در همهٔ مقالات آن، رد پای ادبیات و سیاست دیده می‌شود. اما در سه مقالهٔ این مجموعه: «سیاست در برابر ادبیات: بررسی سفرهای گالیور»، «سیاست و زبان انگلیسی» و «موانع ادبیات» به‌طور اخص به این موضوع پرداخته شده است که به اعتقاد من، این جستارها تریلوژی هستند، همان‌طوری که بر این باورم، رمان‌های مزرعهٔ حیوانات ۱۹۸٤، و درود بر کاتالونیا هم چنین‌اند، البته در قلمرو رمان.

اورول در شاهکار خود رمان ۱۹۸٤ آرمان‌شهر کمونیسم و سوسیالیسم و توتالیتاریسم را به تصویر می‌کشد، که به واقع «شهری‌ست پُرکرشمه!» عکس رفیق استالین همه جای شهر دیده می‌شود. در این رمان، اورول بنیان مارکسیسم و استالینیسم را به نقد می‌کشد. شهر به کارخانه شبیه است و شهروندان به کارگران. همان‌گونه که مارکس شهر را چنین می‌دید و شهر آرمانی‌اش چنین بود. در این رمان حتا در مزرعهٔ حیوانات و نیز درود بر کاتالونیا که گزارشِ گونه‌یی است از جنگ داخلی هسپانیه، نگاه انتقادی کاملاً مشهود است و کاملاً در آن‌ها آرمان‌های دروغین به نقد کشیده شده‌اند.

در رمان ۱۹۸٤ مردم به‌واقع زندانی چهار وزارت‌خانه‌اند: وزارتِ حقیقت که به دروغ‌های سازمان‌یافته و غیره جنبهٔ قانونیَ می‌دهد؛ وزارت صلح که به جنگ می‌پردازد؛ وزارت‌خانهٔ عشق که کارهای پولیسی انجام می‌دهد؛ و وزارت‌خانهٔ فراوانی که کارش جیره‌بندی است.

صدها دوربین مراقبِ حرکات و رفتار شهروندان‌اند، اندک حرکتی غیرحزبی به پُولیس افکار گزارش می‌شود. گویی این شهر جابلقا و جابلسای صوفیانهٔ خودمان را تداعی می‌کند، یعنی شهری با هزار دروازه و هر دروازه با هزار پاسبان. یکی در انتهای مغرب قرار گرفته و دیگری در انتهای مشرق. این شهر هم سمبولی است از محلی بسیار دور. رمزی است از عالم ارواح، مثال، برزخ یا آخرین مرحلهٔ سلوک، زیر نظر هزاران پاسبان.

به‌واقع ۱۹۸٤ تصویری است از زندان جدید. جابلقا و جابلسای کمونیسم و توتالیتاریسم، که در شهر، انسان‌ها کاره‌یی نیستند، برادر ارشد همه‌کاره است و حتا پاسبانان بدون اجازهٔ او آب نمی‌خورند. شهروندان به ارواح برزخی می‌مانند، تکلیف‌شان ریاضت‌کشی است و آینده‌شان نامعلوم. «گذشته مرده است و آینده به تصور نمی‌آید»؛ این است تصویری که ادبیات از توتالیتاریسم و کمونیسم ارایه می‌دهد. افراد گذشتهٔ خود را فراموش کرده‌اند، بایگانی‌ها، کتاب‌ها، روزنامه‌ها و تاریخ بازنویسی می‌شوند. کسی دربارهٔ انقلاب و پیش از انقلابِ کمونیستی چیزی نمی‌داند. جامعه روز به روز به سمتَ فراموشی کشیده می‌شود. پاسبانان امور، به‌جای بازسازی و اصلاح جامعه، به جرح و تعدیلِ تاریخ دست می‌زنند. همه چیز تحت نظارتِ حزب است و نظارت حزب، جای‌گزین نظارت عموم شده است. به عبارتی در این آرمان‌شهر، سرچشمهٔ شناخت فقط در حزب و رفیقِ ارشد خلاصه می‌شود.

بی‌سبب نیست که اورول این روند غالب را بدتر از ماجرای قرون وسطا می‌داند. در قرون وسطا، کلیسا دین و ایمان را دیکته می‌کرد، در ضمن اجازه می‌داد که فرد ایمان را از روز تولد تا هنگام مرگ نگه دارد. نمی‌گفت شنبه به چیزی ایمان داشته باشید و یکشنبه به چیز ی دیگر... این اصل کم‌وبیش در همهٔ ادیان بنیادی اعم از مسیحیت، هند و بودیسم معتبر است. معتقد به هر دینی، زنده‌گی خود را با همان دین به پایان می‌رساند و عواطفش تحریف نمی‌شود. اما در حکومت توتالیتر چنین نیست، همه‌چیز دیکته و برای هر روز برنامه‌یی نوشته می‌شود.(۲)

با عطف به این شیوه‌هاست که اورول سیاست را غالباً بازی‌یی می‌بیند که در آن می‌خواهند افراد، احساسات یا شرافتِ خود را فدا کنند. اورول اصلاح‌طلب این شیوه را نمی پسندد، چنان‌که در جستار «موانع ادبیات» حملهٔ خود را متوجه ادبیات حکومتی می‌کند:

«نمایش‌های رادیویی را نویسنده‌گان حکومتی (اجیرشده) می‌نویسند. در این نمایش‌ها موضوع و کیفیت رفتار شخصیت‌ها، از پیش برای‌شان تکلیف شده است. با این حال، این نوشته‌ها مواد اولیه‌یی هستند که باید کارگردان و سانسورچی بدان شکل دهد. کتاب‌ها و مقالاتِ بی‌شمار دولتی نیز این‌چنین تدوین می‌شوند. داستان‌هایَ کوتاه و دنباله‌دار و اشعار در نشریاتِ ارزان همواره ماشینی‌اند...»(۳)

«آن‌چه مهمل نباشد، تهدیدیَ است بر ساختار دولت. ادبیات گذشته را یا توقیف می‌کنند یا دست‌کم در آن‌ها دست می‌برند تا خطری برای وضع موجود نباشد».(٤)

آن‌چه رسانه‌های گروهی در اختیار مردم قرار می‌دهند، اغلب همان کیفیت را دارند که اورول در این دو پاراگراف گفته است. با این حال، می‌توان نتیجه گرفت که القای آگاهی‌های کاذب، جزو تکالیفِ حکومت‌هاست. این‌که روشن‌فکران علیه رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون موضع‌گیری می‌کنند، بی‌دلیل نیست. همان‌طور که می‌دانیم، کارل پوپر، تلویزیون را وسیله‌یی بی‌خود می‌داند که تماشای آن اتلاف وقت است. پی‌یر بوردیو هم در کل رسانه‌های دولتی را به شعبده تشبیه می‌کند که نگاه مردم را به سمتی دروغین هدایت می‌کنند تا از دیدن اصل مسأله غافل بمانند. اورول حتا در جستار «ادبیات و زبان انگلیسی»، علل افول زبان را سیاسی و اقتصادی می‌داند. می‌گوید به‌خاطر این یا آن نویسنده نیست که زبان انگلیسی زشت می‌شود، علت اصلی در این‌جاست که اندیشه‌های ما احمقانه می‌شوند. (۵) یعنی گفتمان سیاسی، برای ادبیات مانع ایجاد می‌کند، و همین سبب ضعفِ زبانی می‌شود، سیاست‌مداران از ادبیات بی‌بهره‌اند و گمانَ می‌کنند با توسل به ترمینولوژی پیش‌پا افتاده می‌توانند خود را عالم نشان دهند و تا می‌توانند از واژه‌ها و جملاتِ نامفهوم استفاده می‌کنند تا با مشکل‌گویی اظهار فضل کنندَ غافل از این‌که کسی که نتواند مفهوم صحبت کند، به‌واقع خود هم نمی‌داند چه می‌گوید. دامی است که خود در آن گرفتار می‌شود. دولت‌ها گمان می‌کنند با تصویب و تبلیغ چند واژه و اصطلاح می‌توانند بر غنای زبان بیفزایند، حتا زبان را سیاسی می‌کنند و چوب لای چرخِ ادبیات می‌گذارند. از این رهگذر است که زبان هم پویاییَ خود را از دست می‌دهد و به صورت مضحکه درمی‌آید و هم رنگِ جهالت می‌گیرد. رژیم‌های توتالیتر جالب است که همواره به استفاده از واژه‌های مُرده بسیار تأکید می‌کنند. به گمان آن‌ها، ادبیات یعنی استفاده از واژه‌های مرده و وارد کردن این واژه‌ها به زبان. این‌گونه کوشش‌ها همواره با شکست مواجه شده است. اما همیشه این ماجرا به شکل کمدی تکرار می‌شود. زبان موقعی قوی و بر غنای آن افزوده می‌شود که نویسنده‌گان و فلاسفه به دور از خط و مرزها و خطوط قرمز، به سهولت بتوانند بنویسند و آثارشان را منتشر کنند و نیز آثار آن‌ها نقد و بررسی شود، نه انگیزهٔ‌شان.

اما اورول معتقد است که دولت‌ها با توسل به چنین مواردی، موانع سر راه ادبیات ایجاد می‌کنند: نخست این‌که مطبوعات نزد چند سرمایه‌دار دولتی متمرکز می‌شود؛ دوم این‌که رادیو، فلم‌ها، تلویزیون و ... را به انحصار خود درمی‌آورند؛ سوم این‌که نویسنده‌گان را وادار می‌کنند برای امرار معاش و تأمین زنده‌گی بازاری بنویسند؛ و چهارم این‌که مقامات دولتی و امنیتی در همهٔ مسایل دخالت می‌کنند و سوژه سفارش می‌دهند، و کذا... تا نویسنده بتواند زنده‌گی کند.اما این روش‌ها کاملاً سیاسی است و سبب اتلاف وقتِ مؤلف می‌شود و خلاقیتِ آن‌ها را از بین می‌برد. فراوان می‌توان مثال آورد که خیلی از نویسنده‌گان به خاطر همین مسایل، کارهای‌شان تاریخ مصرف دارند و پس از مدتی به فراموشی سپرده می‌شوند.

نویسنده‌گانی که خود را به حزب یا گروهی وابسته می‌کنند، نمی‌توانند اثر یا شاهکاری بیافرینند. کسی که حزبی می‌اندیشد، به‌واقع از قبل تصمیم خود را گرفته است. نمی‌خواهد چیزی کشف کند، می‌خواهد در همان چارچوبِ حزب حرکت کند و از خطوط قرمز حزب عبور نکند. نوشته‌های آنان ادبی نیست، پنداری مانیفست حزب کمونیست است.

در نظرگاه اورول، ادبیات کوششی است برای نفوذ در دیدگاه روز افراد، از رهگذر ضبط تجربه و آگاهی که به آزادی بیان مربوط می‌شود. پس، از این رهگذر، بین روزنامه‌نگار و نویسندهٔ غیرسیاسی و سیاسی، تفاوت فاحشی وجود دارد. نوشتهٔ غیرسیاسی نوشته‌یی فردی است؛ در حالی که نوشتهٔ سیاسی، جمعی و مصلحتیِ است. آزادی در این قلمرو بُعد بسیار ظریفی دارد که اتفاقاً اورول خوب از عهدهٔ تشخیص آن برآمده است:

«روزنامه‌نگار آزاد نیست، هرگاه که مجبور شود در برابر اخبار مهم دروغ بنویسد یا سکوت کند، به محدودیت

نویسندهٔ غیرسیاسی، اصلاح‌گراست. به قول اورول، حتا می‌تواند به حزب کارگر رأی دهد؛ اما در مقام نویسنده، در جنبش سوسیالیستی و ... شرکت نمی‌کند، چون به هیچ دولت و حکومت و حزبی تعهد ندارد. او از هیچ مانیفستِ سیاسی‌یی پیروی نمی‌کند، جامعه را با همهٔ زشتی‌ها و زیبایی‌ها به دور از القائات حزبی و حکومتی به تصویر می‌کشد. حتا خود را روی تخت جراحی تشریح می‌کند، دل و رودهٔ خود را بیرون می‌کشد. حتا باورهای خود را نقد می‌کند، چرا که ادعای خوشبخت کردن بشریت را ندارد، پس خطرناک هم نمی‌تواند باشد. ولی نویسنده‌گان سیاسی خطرناک‌اند چون فکر می‌کنند با چنگ زدن به ریسمان دولت و سیاسی نوشتن و توجیه سیاست‌های دولتی، می‌توانند بشریت را به سوی سعادت راهنمایی کنند، اما نمی‌دانند همین پروژهٔ خوشبخت‌سازی است که جهان را به جهنم تبدیل کرده است

خودآگاهی خود توجه دارد. نویسندهٔ غیرسیاسی نیز زمانی که بخواهد دربارهٔ موضوعات ذهن خود دروغ‌پردازی کند، آزاد نیست. می‌تواند به صورت خواب یا کاریکاتور درآورد تا مفهوم و منظورش را روشن سازد، اما نمی‌تواند در ارایهٔ محتویات ذهن خود دخالتی کند.»(٦)

ورود سیاست به ادبیات در واقع به‌نوعی تجاوز می‌ماند؛ امانت و صداقت کنار گذاشته می‌شود و دروغ حرف اول و آخر را می‌زند. نویسندهٔ سیاسی دروغ می‌گوید، حالَ آن‌که نویسندهٔ غیرسیاسی، در باب آن‌چه می‌اندیشد و آن‌چه احساس می‌کند، می‌نویسد بدون این‌که دیدگاه‌های حزب یا دولت را در آن وارد کند. اورول معتقد است که نه تنها دولت توتالیتر همواره مانع بیان افکار است، بلکه پا را فراتر می‌نهد و اندیشه را دیکته می‌کند. چیزی به نام حوزهٔ خصوصی برای شهروندان و نویسنده وجود ندارد. دولت می‌کوشد آرمانی کاذب و جعلی بیافریند، تا بر زنده‌گی عاطفی نویسنده مسلط شود. حتا برای افراد ضابطهٔ رفتار تعیین می‌کند و از این رهگذر است که نویسنده را منزوی و در جهانی مصنوعی محبوس می‌کند؛ جهانی که در آن معیاری برای مقایسه وجود ندارد. حتا کردار را به کنترل درمی‌آورد. اورول می‌گوید ادبیات نمی‌تواند در چنین شرایطی رشد کند، اما من بر این باورم با همهٔ محدودیت‌هایی که سیاست برای ادبیات ایجاد می‌کند، ادبیات و فلسفه و ... به حیات خود در اشکال گوناگون ادامه می‌دهد. نوشتن امری حسی است و درونی، و نمی‌توان بر آن از خارج نظارت کرد.

توتالیتاریسم حتا اگر جهانی شود، باز ادبیات غیرسیاسی نابود نخواهد شد؛ چرا که نویسندهٔ غیرسیاسی نمی‌تواند «صفحهٔ گرامافون» باشد یا نوار ضبط صوت.

نویسندهٔ غیرسیاسی، اصلاح‌گراست. به قول اورول، حتا می‌تواند به حزب کارگر رأی دهد؛ اما در مقام نویسنده، در جنبش سوسیالیستی و ... شرکت نمی‌کند، چون به هیچ دولت و حکومت و حزبی تعهد ندارد. او از هیچ مانیفستِ سیاسی‌یی پیروی نمی‌کند، جامعه را با همهٔ زشتی‌ها و زیبایی‌ها به دور از القائات حزبی و حکومتی به تصویر می‌کشد. حتا خود را روی تخت جراحی تشریح می‌کند، دل و رودهٔ خود را بیرون می‌کشد. حتا باورهای خود را نقد می‌کند، چرا که ادعای خوشبخت کردن بشریت را ندارد، پس خطرناک هم نمی‌تواند باشد. ولی نویسنده‌گان سیاسی خطرناک‌اند چون فکر می‌کنند با چنگ زدن به ریسمان دولت و سیاسی نوشتن و توجیه سیاست‌های دولتی، می‌توانند بشریت را به سوی سعادت راهنمایی کنند، اما نمی‌دانند همین پروژهٔ خوشبخت‌سازی است که جهان را به جهنم تبدیل کرده است.

وقتی دومین متفکرِ جهان لب به سخن می‌گشایـــــد...

احمد عمران

دومین متفکر جهان(!) لب به سخن گشود و چنان سخنانِ حکیمانه و اندیشمندانه‌یی در باب مشکلاتِ امروز و فردای افغانستان و حلِ علمی آن‌ها بر زبانَ راند که تاهنوز آنانی که این سَخنان را شنیده‌اند، در حیرت‌اند و آنانی که نشنیده‌اند، بی‌صبرانه انتظار شنیدنِ دوبارهٔ آن‌ها را دارند.

در هَفتهٔ گذشته، اشرف‌غنی احمدزی نامزد ریاست‌جمهوری افغانستان به همراه دو معاونش ـ جنرال عبدالرشید دوستم و سرور دانش ـ در میان شماری از هواخواهانِ خود سخنانی بر زبان آورد که لازم است برخی جوانَبِ آن کندوکاو شود.

اشرف‌غنی احمدزی کَه از سوی یک نهاد نامعلوم جهانی، نام دومین متفکر جهان را به خود اختصاص داده، در این سخنرانی نشان داد که فضیلت، تقوای علمی و شعور اندیشمندانه چیست و چرا او افتخار دست یافتنِ به چنین لقبی را داشته است!!

اگر واقعاً آقای احمدزی دومین متفکر جهان باشد، باید گفت که وای بر جهان و وای بر علم و وای بر اندیشه!! چون سخنان آقای احمدزی حتا در حد یک آدم بی‌سواد که هرگز مکتب نرفته و درس نخوانده هم قابلِ قبول نیست! آقای احمدزی با این سخنان نه تنها به مردم افغانستان اهانت کرد، که حتا به جهان علم و اندیشه نیز توهین بزرگی را روا داشت.

می‌گویند «تا مرد سخن نگفته باشد/ عیب و هنرش نهفته باشد». اشرف‌غنی احمدزی با باز کردنِ دهان و ارایهٔ سخنانی چنان سخیف و کم‌مایه، عَملاً از بی‌مایه‌گی و کم‌وزنی خود در عرصهٔ دانش و اندیشه پرده برداشت. البته این بارِ نخست نیست که آقای احمدزی چنین سخنانی را بَر زبان می‌آورد. او پیش از این، زمانی که متصدی پست برنامهٔ انتقال مسوولیت‌ها از نیروهای خارجی به افغان بود نیز سخنانی شبیه به آن‌چه که هفتهٔ گذشته بر زبان آورد، گفته بود. او در یکی از سخنرانی‌هایش در هنگام انتقال مسوولیت‌ها گفته بود که «ما حاضریم کاه بخوریم ولی نیروهای امنیتی خود را تقویت کنیم». شاید در این اظهارات، مخاطب آقای احمدزی خودش بوده، ولی معلوم نیست که چرا از ضمیر «ما» استفاده کرده بود. به هر حال، برای دانشمندان از این مسایل پیش می‌آید!!

باری برگردیم به سخنان حکیمانهٔ دومین مغز متفکر جهان!

آقای احمدزی در این سخنرانی با لحنی جلف و بازاری، دیگر نامزدهای ریاست‌جمهوری را مورد خطاب قرار داد و گفت که حاضر است با آن‌ها در ۳۴ ولایت مناظره کند. خوب است به بخشی از سخنانِ آقای احمدزی آن‌گونه که از زبان خودشان بیرونَ شد، توجه شود: «اگر مناظره می‌کنند، در ۳۴ ولایت بیایند که مناظره کنیم هههههه. اگر دفتر ندارند، ما برای‌شان دفتر خلاص می‌کنیم هههههههه. اگر اسب می‌خواهند، اینه جنرال صاحب دوستم برای‌شان اسب می‌دهد هههههههه. اگر مناظره کرده نمی‌توانند هههههه بیایند بزکشی کنیم؛ جنرال صاحب دوستم با آن‌ها بزکشی می‌کنند هههههههههههههههه.»

این عینِ جملاتی‌ست که آقای احمدزی به عنوان دومین مَغز متفکر جهان در آن سخنرانی بر زبان آورد. نمی‌دانم بر سرِ شنونده‌گانِ این سخنان چه گذشته است؛ چون منَ وقتی در خانه و از پردهٔ تلویزیون این سخنان را میشنیدم، به جای این‌که حیرت‌زده شوم، دلم می‌خواست که زار زار به حالِ خود و جامعهٔ خود بگریم. بگریم که زبان و بیانِ فردی که به اندیشمندی در این کشور شهره است تاَ این اندازه تُنک و بازاری است. بگریم برای همهٔ کتاب‌های خود که در قفسهٔ کتاب‌خانه‌ام با شنیدن این سخنان، چیزی جز ریشخند نمی‌نمودند. بگریم به حالِ مردم بیچاره و بی‌پناه افغانستان که این عده ۱۳ سالَ است که بر گرده‌های‌شان فرمان می‌رانند!

خوب است به صورت ماده‌وار به برخی از سخنانِ آقای احمدزی پرداخته شود:

۱) نشستی که آقای احمدزی در آن شرکت ورزیده بود و سخنانی که بر زبان آورد، برای زمان آغاز مبارزاتِ انتخاباتی بود. اما پرسش این‌جاست که آیا زمانَ مبارزات انتخاباتی آغاز شده که یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری به صورت آشکار دست به تخریب دیگران و برجسته کردنِ خود می‌زند؟ آن‌هم چه برجسته کردنی!! چرا کمیسیونَ‌های انتخاباتی و به‌ویژه کمیسیون شکایات انتخاباتی در برابر چنین نشستی که از آن بوی مبارزات انتخاباتی به صورت آشکار به مشام می‌رسد، خاموشی اختیار کرده‌اند؟ آیا یک عده از نامزدهای انتخاباتی، مستثنا از دیگران هستند که هر وقت دل‌شان خواست برای خود کمپاین کنند؟ در این مورد حتا دیگر نامزدهای ریاست‌جمهوری نیز آرام نباید بنشینند و با ثبت کردن شکایت در کمیسیون شکایات انتخاباتی، نسبت به چنین وضعیتی باید واکنش نشان دهند.

۲) وقتی آقای احمدزی می‌گوید که اگر دیگر نامزدهای ریاست‌جمهوری دفتر ندارند او حاضر است برای‌شان دفتر باز کند، به چه معناست؟ آیا می‌خواهد پول‌های خود را به رخ دیگران بکشد و بگوید که اگر شما پول ندارید، چرا در انتخابات شرکت کرده‌اید؟ از جانب دیگر، آقای احمدزی این‌همه پول‌های بادآورده را از چه منبعی گرفته که می‌خواهد در ۳۴ ولایت برای ۱۰ نامزد دیگر انتخابات ریاست‌جمهوری، دفتر و امکانات بدهد؟ آیا آقای احمدزی ثابت کرده می‌تواند که این پول‌ها از راه مشروع به‌دست آمده و به‌اصطلاح حلال است؟... آقای احمدزی از معمارانِ حکومت فعلی‌ست و در ده سال گذشته نیز در سمت‌های کلان وظیفه اجرا کرده است؛ از کجا معلوم که او پول‌هایی را که به رخِ دیگران می‌کشد، از راه‌های غیرقانونی به‌دست نیاوَرده باشد؟

۳) آقای احمدزی می‌گوید که جنرال صاحب دوستم حاضر است برای دیگر نامزدهای ریاست‌جمهوری اسب بدهد و در بزکشی با آن‌ها شرکت کند. این سخنان آیا نشانهٔ نگاه تحقیرآمیز او نسبت به آقای دوستم نیست؟!... لحن و بیانِ آقای احمدزی نشان می‌داد که او به جنرال دوستمَ در حدِ یک ابزار نگاه می‌کند و ارزشی بیشتر از یک سوارکَار برایش قایل نیست.

آقای احمدزی در سال ۲۰۰۹ هم نسبت به جنرال دوستم طی یک مقاله که در یکی از نشریه‌های انگلیسی به نشر رسید، چنین دیدگاهی را تبارز داده بود. او در آن مقاله از حامد کرزی انتقاد کرده بود که چرا در انتخابات ریاست‌جمهوری در کنار جنرال دوستم که به زعم وی قاتل مردم است، قرار گرفته. از جانب دیگر، این سخنان آقای احمدزی، از نوعی نگاه قبیله‌یی وی به دیگر اقوام و ملیت‌های کشور حکایت دارَد. آقای احمدزی آگاهانه و یا ناآگاهانه نشان می‌دهد که به دیگر اقوام و ملیت‌های کشور، تنها در حد یک ابزار سیاسی نگاه می‌کند و ارزشی بیشتر از آن برای‌شان قایل نیست.

٤) آقای احمدزی در این سخنان، دیگر نامزدهای ریاست‌جمهوری را به مناظره با خود دعوت کرد، درحالی‌که خود ادب سخن گفتن و مناظره را نمی‌داند. آیا توهین و دشنام دادنِ به دیگران، مناظرهٔ انتخاباتی است؟ این سخنان عملاً با مقولهٔ آزادی بیان در تضاد قرار دارند و باید از راه‌های قانونی گویندهٔ آن مورد پیگرد قرار گیرد. چون در دموکراسی‌ها، آزادی بیان و جود دارد و نه آزادی عمل. برخی کلمات و واژه‌گان در حد عمل قرار می‌گیرند و آن‌وقت است که دایرهٔ آزادی بیان شکسته می‌شود. دشنام، افترا، توهین و چیزهایی از این قبیل، جزو آزادی بیان نیستند و در دایرهٔ آزادی عمل قرار می‌گیرند. آقای احمدزی حتا چنین معیارهایی را نمی‌داند و آن‌وقت از دیگران می‌خواهد که با او به مناظره بپردازند. من از آقای احمدزی که این‌قدر بر چیزفهمی خود غره است، می‌پرسم که روی چه مسایلی و با چه دستاوردهایی می‌خواهد با دیگران مناظره کند؟

کارنامهٔ آقای احمدزی را در دولت آقای کرزی از هر طرف که بخوانیم، کارنامه‌یی ناکام و شکست‌خورده است. آقای احمدزی زمانی که وزیر مالیه و بعد رییس دانشگاه کابل و بعدتر رییس کمیسیون برنامهٔ انتقال مسوولیت‌ها بود، نشان داد که چه‌قدر با فوت‌وفن‌های کشورداری و مدیریت آشناست. او آدم بیمار و شکست‌خورده‌یی است که حتا در حد یکَ نویسندهٔ پاورقی‌نویس روزنامه‌های انگلیسی‌زبانِ جهان هم تبارز نداشته است. من از آقای احمدزی می‌پرسم که: شما با این اوصاف، چه‌گونه لقب دومین متفکر جهان را یدک می‌کشید؟ چند کتاب و چند رسالهٔ تحقیقی از شما به نشر رسیده و این نوشته‌ها چه تأثیری در جهانِ فکر و اندیشه به‌جا گذاشته است؟ در جهانی که افرادی چون اسلاوِی ژیژک فیلسوف بزرگ را ـ که آقای احمدزی به گردش هم نمی‌رسد ـ اندیشمند و متفکر نمی‌دانند، او با چه توشه‌یی این لقب را از آنِ خود کرده است؟!!

در ضمن می‌خواهم به همهٔ نامزدهای ریاست‌جمهوری افغانستان توصیه کنم که از مناظره با چنین فردی که ادبِ سخن گفتن را نمی‌داند، بپرهیزند. چون هتک حرمَت و هوچی‌گری، یک چیز است و مناظره و گفتن سخنانِ سنجیده و معقول، چیزی دیگر. چنان‌که سعدی بزرگَ توصیه می‌کند که: دلایل قوی باید و معنوی / نه رگ‌های گردن به حجت قوی. آقای احمدزی اگر حرفی برای گفتن دارد، می‌تواند با زبان استدلال و منطق بیان کند و نه با مسخره‌گی و حرف رکیک حواله کردن به نشانی دیگران.

در پایان می‌خواهم گلایه‌یی از جنرال دوستم هم داشته باشم که با گفتن برخی سخنان، روحیهٔ تساهل و دیگرپذیری را زیر سوال برد. بدون شک او در گفتن این سخنان چندان مقصر نیست؛ زیرا کسانی که از او خواسته بودند این سخنان را بگوید، اهداف دیگری را دنبال می‌کنند که هرگز با آرزوهای جنرال دوستم همخوانی ندارند.

متوجه عواقب خطرناک...

واشنگتن بر طرف شده است.

لنزی گراهام تاکید کرد که بدون امضای موافقت نامه امنیتی به زودی، رییس جمهور امریکا نمی‌تواند به ادامه حضور نیروهای امریکایی در افغانستان بعد از سال ۲۰۱٤ تصمیم بگیرد. او گفت حتی اگر رییس جمهور امریکا چنین تصمیمی بگیرد، کانگرس نمی‌تواند بودجه آن را تصویب کند.

امریکا پیش از این پایان سال ۲۰۱۳ را زمان ضرب الاجل خود برای امضای پیمان امنیتی دو کشور اعلام کرده بود.

سناتور گراهام گفت که براساس توافق امریکا و افغانستان، دوسیه های این زندانیان باید در نهادهای قضایی افغانستان مورد بررسی قرار بگیرد. او گفت: «پیگیری قضایی این زندانیان مردم افغانستان و نیروهای ایتلاف را از جنایت‌کاران خطرناک محافظت می‌کند».

او با ابراز این که دست این زندانیان در خون امریکایی‌ها آغشته است، گفت: «اگر آزادی این‌ها ادامه یابد، تاثیر منفی غیرقابل باور بر آینده روابط ایالات متحده امریکا با مردم و حکومت افغانستان خواهد داشت».

«تجربه عراق را تکرار نمی‌کنیم»

جان مک کین در یک کنفرانس خبری در سفارت ایالات متحده امریکا در کابل گفت: «ما باور داریم که این موافقت نامه برای آینده افغانستان، امنیت این کشور و منطقه حیاتی است. ما اختلاف هایی داریم و با رییس جمهور کرزی در مورد این اختلاف ها صحبت کردیم».

جان مک کین گفت که اختلاف‌ها با حامد کرزی در این رابطه محدود شده است و دو کشور به مرحله‌یی رسیده اند که بتوانند موضوعات مورد مناقشه را در ظرف چند روز یا چند هفته حل کنند. این سناتور امریکایی با اشاره به پیشرفت‌های چند سال اخیر افغانسستان افزود: «اما این را نیز می‌دانیم که در یک زمان حیاتی قرار داریم، زیرا نمی‌خواهیم آنچه در عراق اتفاق افتاد تکرار شود، جایی که ما جنگ را بردیم و به دلیل خروج کامل نیروهای خود، صلح را از دست دادیم».

جان مک کین گفت که در این سفر برعلاوه ملاقات با جوزف دانفورد، فرمانده کل نیروهای امریکایی و ناتو در افغانستان، با دو تن از نامزدان انتخابات ریاست‌جمهوری نیز دیدار کرده است، اما فاش نساخت که با کدام نامزدهای انتخابات دیدار داشته است.

دفتر ریاست جمهوری افغانستان خبر داده است که حامد کرزی در این دیدار بر شرایط خود برای امضای این موافقت نامه تاکید کرده و گفته است که مردم افغانستان خواهان صلح اند و نمی‌خواهند کشور شان دوباره دچار هرج و مرج و ملوک‌الطوایفی شود. کرزی گفته است: «ما خواستار آغاز عملی و علنی پروسه صلح توام با وحدت و یکپارچگی افغانستان می‌باشیم».

عربستان دربارهٔ سرنوشت...

سعود الفیصل قرار است روز دوشنبه با نواز شریف نخست وزیر و ممنون حسین رییس جمهوری پاکستان دیدار و درباره گسترش روابط دوجانبه و افزایش همکاری‌ها میان اسلام آباد و ریاض در زمینه‌های مختلف گفت وگو کند.

براساس این گزارش، وزیر امور خارجه عربستان به اتفاق یک هیات بلندپایه سیاسی و اقتصادی از این کشور با مقامات ارشد سیاسی پاکستان درباره پیشبرد روند صلح در افغانستان، وضعیت این کشور پس از خروج نیروهای خارجی و تحولات منطقه‌یی گفت‌وگو خواهند کرد.

رادیو ملی پاکستان افزود: پیش بینی می‌شود در این سفر مقامات اسلام آباد و ریاض درباره موضوع توقف روند گفت‌وگوهای طالبان (افغانستان) و امریکا بمنظور کمک به برقراری صلح در افغانستان را نیز مورد بحث و بررسی قرار دهند.

منابع خبری پاکستان روز گذشته گزارش دادند: سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان سعودی قرار است ١٦ جدی وارد اسلام آباد شده و ضمن و گفت‌وگو درباره روابط دوجانبه، منطقه‌یی و بین‌المللی، موضوع پرویز مشرف و محاکمه وی را با مقام‌های پاکستان مطرح کند.

۷۰ درصد آمادهٔ برگزاری...

پرداخته گفت: «همین امروز موادی که در نظر گرفته شده، ترتیب و خریداری شده به کابل می‌رسد و به اساس یک پلان منظم به ۳٤ ولایت انتقال می‌یابد.»

به گفتهٔ رییس دبیرخانهٔ کمیسیون انتخاباتی قرار است برنامه آگاهی‌دهی در مورد انتخابات توسط حدود ۱۵۰۰ کارمند زن و مرد در سراسر افغانستان راه اندازی شود که به گفته او ۵۰ در صد تمرکز این برنامه روی بلند بردن آگاهی زنان در مورد انتخابات است.

مشارکت زنان

آقای امرخیل از علمای دین، نامزدان و وزارت امور زنان خواست که مردم را به سهم گیری در انتخابات تشویق کنند.

در همین حال، مقامات وزارت امور زنان می‌گویند باغ های زنانه در ۲۰ ولایت و ریاست‌های امور زنان در ٣٤ ولایت را در روز انتخابات در اختیار کمیسیون مستقل انتخابات قرار می دهند تا از آن به عنوان مراکز رای دهی برای زنان استفاده شود.

مژگان مصطفوی، معین وزارت امور زنان که در این گردهمای حضور داشت نا امنی و باور های سنتی از موانع عمده در راه مشارکت زنان در انتخابات بشمار می رود.

خانم مصطوی افزود: «شاید نا امنی ها بالای مشارکت زنان نسبت به مردان بیشتر تاثیر داشته باشد، امیدوار استیم که در این راستا وزارت دفاع، داخله و امنیت تدابیر خاص داشته باشند.»

آقای امر خیل همپنان گفت از میان ۳.٤ ملیون نفر که کارت رای دهی اخذ کرده اند، ۳۵ در صدشان را زنان تشکیل داده است.

عضو کمیتهٔ بررسی پرونده‌های زندانیان بگرام:

۸۸ زندانی دیگر نیز آزاد می‌شوند

حکومت افغانستان می‌گوید ۸۸ زندانی‌یی را آزاد می‌کند که مقام‌های امریکایی آنها را «مجرمین خطرناک» خوانده اند.

مقام‌های کمیتهٔ بررسی دوسیه‌های زندانیان بگرام می‌گویند که به دلیل نبود مدارک مؤثق جرمی بر علیه این افراد، آنها را از زندان آزاد خواهند کرد.

عبدالشکور دادرس، عضو کمیتهٔ بررسی پرونده‌های زندانیان بگرام در صحبت با رادیو آشنا گفت ارتکاب جرم توسط این افراد «فقط یک ادعا است». به گفتهٔ این عضو کمیتهٔ رسیده‌گی به پرونده‌های زندانیان بگرام، افرادی که واقعاً مرتکب جرایم شده باشند آزاد نمی‌شوند.

آقای دادرس از مقام های امریکایی خواست در صورتی که مدارکی مبنی بر اثبات جرم بر این افراد را در اختیار داشته باشند، باید آنرا با حکومت افغانستان در میان بگذارند.

نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان سال گذشته بیشتر از هفتصد محبوس افغان در زندان بگرام را به حکومت افغانستان تحویل داد. یک کمیسیون که از طرف دولت افغانستان برای بررسی دوسیه های این زندانیان تشکل گردیده است حدود ٦۵۰ تن آنها را بدلیل نبود اسناد و شواهد جرمی، از بند رها کرده است.

مقام‌های این کمیسیون گفته اند نیروهای امریکایی بیشتر این افراد را به ظن همکاری با طالبان مسلح، توقیف کرده بودند.

احیای هنرهای کلاسیک افغانی در مرادخانی کـــــــــابل

هفت سال پیش انستیوت فیروزکوه ساختمان‌های ویران شده مرادخانی را دوباره با چوب و گل بازسازی کرد. امروز پرورش یافتگان این بنیاد فرهنگی نفیس ترین تولیدات هنری کلاسیک افغانستان را خلق نموده و به بازار عرضه می کنند.
صدای قلم نی سکوت یکی از اتاق‌های قدیمی ترین ساختمان‌ها را در قلب کابل می‌شکند. در این جا دختران و پسران جوان با بسیار دقت، زیباترین تابلوهای خطاطی و میناتوری را نه با کمپیوتر بلکه با قلم نی و رنگ، خلق می‌کنند.
در عصر کمپیوتر که خطاطی و میناتوری بازارش را از دست داده است و خریداری ندارد این جوانان می‌کوشند این هنر را دوباره زنده کنند و آن را برای مردم معرفی نمایند.
صغرا دختری که در انستیتوت فیروز کوه خطاطی و میناتوری می‌آموزد می‌گوید: «هنر بسیار پیش پا افتاده شده، ما می‌خواهیم تلاش کنیم و خدمتی کنیم برای هنر. تا برای هنر ارزش قایل شویم. جامعه‌یی که هنر ندارد یک جامعه مرده است».
محصولاتی‌که در افغانستان خریدار ندارد
انستیتوت فیروز کوه در سال ۲۰۰۶ فعالیتش را در خانه‌های قدیمی مرادخانی کابل آغاز کرد. مرادخانی قدیمی ترین محل شهر کابل است که قدامت آن به قرن ۱۸ میلادی بر می‌گردد. هدف اصلی این انستیتوت احیای دوباره هنرهایی است که در نتیجه سه دهه جنگ، در حال فراموشی است. دانش آموزان فیروز کوه در کنار سایر مضامین، یکی از حرفه‌های دیگر را نیز می‌آموزند.
جوانانی که مصروف کندنکاری هستند از یک هفته تا یک ماه زحمت می‌کشند تا یک تابلو یا یک قاب عکس را بسازند. این جوانان نقش‌های ظریفی را در روی چوب می‌آفرینند و وسایلی می‌سازند که بسیار متفاوت از محصولات بازار است.
سید جان یکی از استادان کندن کاری در انستیوت فیروز کوه که عمرش را در کندن کاری گذشتانده و باشنده ولایت نورستان است می‌گوید: این حرفه در حال فراموشی است «سابق در نورستان کندن کاری زیاد بود اما حالا کاسبان و حرفه‌یی‌ها در آن‌جا نمانده همه مهاجر شده‌اند».
کندن کاری‌های روی چوب در افغانستان خریداران اندکی دارد. تولیدات فیروزکوه بیشتر در نمایشگاه‌ها عرضه می‌شود و در کشورهای اروپایی مشتریان زیادی دارد.
زرگری به سبک کلاسیک
بخش زیورات فیروز کوه لوازم آرایشی سنتی افغانی را می‌سازد. این زیورات به سبک‌های هراتی، پشتونی، ترکمنی و هزارگی ساخته می‌شوند.
حاجی محمد اسلم استاد بخش زیورات می‌گوید: محصولات زرگری فیروز کوه که با دست ساخته می‌شوند در خارج از افغانستان خریداران زیادی دارد «چون در اثر جنگ‌ها این هنر از بین رفته بود، خوشبختانه با ایجاد انستیوت فیروز کوه ما خواستیم که هنرهای سنتی خودرا دوباره زنده کنیم».
ستوری ستانکزی دانش آموز بخش زرگری می‌گوید: علاقمند ساختن زیورات ستایل ترکمنی است و دست ساخت های او بازار خوبی در کشورهای اروپایی دارد. «می خواهم یک زرگر هنرمند و یک زرگر واقعی باشم. خانمی که بتواند به دنیا نشان دهد که ما هم در زرگری هنر و سبک خودرا داریم».
تولیدات نجاری و زرگری چینی که با قیمت ارزان در کابل و سراسر افغانستان وارد می شود، چالش بزرگی برای محصولات فیروز کوه است. دانش آموزان این انستیتوت توانسته اند پس از فراغت صاحب کار و حرفه شوند.

دویچه وله

رهایی طالبان به خاطر انتخابات

رییس‌جمهور کرزی با رهاسازی جنایت‌کاران متکرر جنگی از بازداشتگاهِ بگرام، می‌خواهد به طالبان امتیاز بدهد و از آنها در انتخابات پیش‌روی ریاست‌جمهوری سود جوید.
شماری از تحلیلگران با بیان این مطلب می‌گویند که با رهاسازی زندانیان از بازداشتگاه‌های کشور وضعیت امنیتی بدتر خواهد شد.
کمیتهٔ رسیده‌گی به پرونده‌های زندانیان بگرام یا پروان، ۶۵۰ تن را به بهانهٔ این‌که اسناد و شواهدی که نشان بدهد آن‌ها در فعالیت‌های تروریست دست داشته‌اند، از زندان آزاد کرد.
مسوولان این کمیته می‌گویند که این افراد به همین اتهام از خانه، محل کار یا بازار توسط نیروهای امریکایی در سال‌های گذشته دستگیر و به زندان انداخته شده بودند.
جنرال امرالله امان آگاه نظامی با بیان این‌که حکومت نیز در بازداشت این بازداشتی‌ها نقش داشته است، می‌گوید: «بازداشت‌گاه بگرام تازه ساخته نشده است و بازداشتی‌هایی که رها گردیده اند، تازه به این بازداشت‌گاه نرفته بودند، بل سال‌های زیادی را در بگرام به سر برده اند؛ شکی نیست که در قسمت بازداشت آن‌ها ادارهٔ آقای کرزی دخیل بوده است.»
این آگاه نظامی با تصریح این که رییس‌جمهور سه ضلعی حکومت می‌کند، می‌گوید: «برای رییس‌جمهور متأسف هستم که در روزهای آخر حکومت خود، در تلاش است با رهاسازی این زندانیان هم چهرهٔ مردمی از خود نشان بدهد و برای مردم بگوید که خارجی‌ها بازداشت کردند و من رها ساختم؛ در کنار آن زمان برگزاری انتخابات نزدیک است و آقای کرزی از این‌ها استفادهٔ دلخواه می‌کند.»
اما جنرال امرالله امان می‌افزاید: «چهرهٔ ملی در حفظ منافع ملی، وحدت ملی، ملت‌سازی، حفظ قانون اساسی و حفظ دستآوردهایی که در جریان دوازده سال با ریختن خون مردم به دست آمده است، متبلور می‌شود و رها سازی زندانیان با این نیت، یک خیانت ملی به حساب می‌رود.»
این آگاه نظامی هم‌چنان می‌گوید: «نگرانی از رهایی بازداشتی‌ها پیش از این نیز میان مردم افغانستان موجود بود و آن‌ها از این رهایی ناراض بوده‌اند؛ چون این معافیت‌دهی حکومت، نتایجِ زیان‌باری را در قبال داشته است و سبب گردیده است تا صفوف مخالفین حکومت همواره بزرگ‌تر گردد.»
این آگاه نظامی تصریح کرده می‌گوید، این عملکرد حکومت سبب تضعیف روحیه میان نیروهای امنیتی افغانستان خواهد شد و کاری را که پیش از این با عشق و علاقه انجام می‌دادند، انجام نخواهند داد.
در عین حال، نقیب الله فایق عضو مجلس نماینده‌گان در صحبت‌هایش با رونامهٔ ماندگار می‌گوید، ارگ ریاست جمهوری بنابر مصلحت‌های سیاسی و قبیله‌یی شمار زیادی از بازداشتی‌ها را رها ساخته است که رهایی این بازداشتی‌ها برای مردم افغانستان بسیار خطرناک است.
آقای فایق با اشاره بر رهایی زندانیان در چند سال اخیر می‌افزاید، شماری از این زندانیانِ رها شده دوباره به گروه طالبان پیوسته‌اند و در حملات انتحاری‌یی که صورت گرفت، دوباره سهم گرفتند.
این عضو مجلس معتقد است: «رهایی بیشتر این زندانیان در کنار ابعاد سیاسی بُعد قبیله‌یی نیز دارد. بارها محاسن سفیدان آمدند نزد رییس جمهور و از او خواستند که بنابر مشترکات قومی، منطقه‌یی و قبیله‌یی کسانی را از زندان رها سازد و آقای رییس جمهور بارها به چنین کاری دست زده است.»
آقای فایق با تأکید روی سیاست تباری آقای کرزی افزود که هیچ زندانی طالب در آینده در بازداشت‌گاه‌ها حضور نخواهند داشت و از این سیاست حکومت مستفید خواهند شد.
این عضو مجلس هم‌چنان گفت: «رییس‌جمهور با انجام این سیاست اشتباه خود، در واقع در تلاش پرداخت رشوت سیاسی است و می‌خواهد که در انتخابات پیش‌رو از این چهره‌ها استفاده ببرد و آن‌ها در مناطق خود در این زمینه کار کنند.»
آقای فایق با تأکید می‌گوید، رهاسازی این بازداشتی‌ها سبب می‌گردد تا مردم بیشتر قربانی گردند.
این عضو مجلس با اشاره بر قوانین موجود در کشور می‌افزاید، این بازداشتی‌ها همه تخریب کنندهٔ امنیت در کشور به حساب می‌روند و رییس جمهور حق ندارد تا آن‌ها را رها سازد.
هم‌چنان، داکتر ظهیر سعادت عضو دیگر مجلس نماینده‌گان می‌گوید، رهاسازی بازداشتی‌های طالب تنها برای گروه‌های هراس افگن دست‌آورد داشته و آن‌ها با رهاشدن این بازداشتی‌ها فعالیت‌های تروریستی و نظامی خود را بیشتر سر و سامان می‌دهند.
این عضو مجلس معتقد است، این عملکرد حکومت سبب می‌گردد تا مردم بیشتر زیان ببینند.
آقای سعادت با اشاره به نزدیک‌شدن زمان برگزاری انتخابات در افغانستان می‌گوید: «حکومت در صددِ این نیز است تا در زمان برگزاری انتخابات، نیروی فساد را بیشتر سازد و زمینه‌های منفعتِ خودی را برای مهندسان این روش مساعد سازد.»
سال گذشته ایالات متحدهٔ امریکا پس از جنجال‌ها و کشمکش‌های زیاد، مسوولیت ادارهٔ زندان بگرام را به حکومت افغانستان واگذار کرد.
امریکایی‌ها گفته بودند که با واگذاری مسوولیت این زندان، حکومت افغانستان تمامی طالبان را آزاد خواهد کرد.
در جریان سال گذشته ده‌ها زندانی طالب از سوی آقای کرزی آزاد شده اند.
حالا سناتوران امریکایی در سفری به کابل به آقای کرزی هشدار داده اند که عواقب رهایی زندانیان طالبان را در نظر داشته باشد.

هارون مجیدی

ورزش

سرمربی تیم ملی ایتالیا:

جام جهانی ۲۰۱۴ از بالوتلی است

سرمربی تیم ملی فوتبال ایتالیا جام جهانی ۲۰۱٤ برزیل را جام جهانی ماریو بالوتلی دانست.
در این هیچ شکی وجود ندارد که بالوتلی یکی از بهترین مهاجمان حال حاضر فوتبال جهان به شمار می‌آید. اما حاشیه‌های زیادی این مهاجم ملی پوش باعث شده است تا بیشتر از آن که از او در مستطیل سبز بشنویم، خبرهایی درباره حاشیه‌های او در بیرون از فوتبال بشنویم. او در منچسترسیتی بارها و بارها به خاطر رفتارهای عجیب و غریب خود از سکوها بازی تیمش را دنبال کرد. سوپر ماریو پس از جدایی از سیتی به فوتبال ایتالیا بازگشت تا برای میلان بازی کند، اما به نظر می‌رسد که روسونری هم نتوانسته است به حاشیه سازی این مهاجم جوان پایان دهد.
چزاره پراندلی ، سرمربی تیم ملی فوتبال ایتالیا معتقد است که جام جهانی ۲۰۱٤ برزیل بهترین فرصت برای درخشش ماریو بالوتلی خواهد بود .
او گفت: جام جهانی ۲۰۱٤، جام جهانی ماریو بالوتلی خواهد بود. بر این باورم که او می‌تواند بازی‌های خوبی را به نمایش بگذارد و به عنوان

بهترین بازیکن جام انتخاب شود. البته باید بگویم که بالوتلی باید تلاش خود را زیاد کند و به حاشیه سازی‌هایش پایان دهد. در این صورت او می‌تواند همه نگاه‌ها را معطوف خود کند.
پراندلی درباره این سوال چه بازیکنانی می‌توانند بیشترین درخشش را در برزیل داشته باشند؟ این گونه پاسخ داد: لیونل مسی و لوئیس سوآرس بازیکنانی هستند که می‌توانند در برزیل بدرخشند، آنها کمک زیادی به تیم خود خواهند کرد. معتقدم که لیونل مسی، لوئیس سوآرس و ماریو بالوتلی از بهترین بازیکنان حال حاضر فوتبال جهان به شمار می آیند.
استفان الشعراوی، بازیکن مصری تبار میلان فصل گذشته بازی‌های خوبی را برای این تیم به نمایش گذاشت و حتی به تیم ملی فوتبال ایتالیا هم دعوت شد، اما او در فصل جاری پس از اضافه شدن بالوتلی به روسونری دچار افت محسوسی شد و ترکیب اصلی میلان را از دست داد تا از روی نیمکت ذخیره‌ها کار را دنبال کند.
شعراوی چند روز پیش با آسیب دیدگی مواجه شد و به احتمال زیاد ۱۰ هفته‌ای دور از میادین خواهد بود. همین مساله باعث شده است تا شانس او برای حضور در برزیل کم شود.
پراندلی درباره شعراوی و احتمال حضور او در برزیل این گونه پاسخ داد: شعراوی مهاجم خوبی است. او باید هر چه سریع‌تر آرامش خود را به دست آورد. ما الان مهاجمی همچون جوزپه روسی را در اختیار داریم که با انگیزه و هیجان بالایی در حال بازی کردن است.

مسی گرانقیمت‌ترین بازیکن تاریخ جام جهانی

لیونل مسی در فهرست گرانقیمت ترین بازیکنان جام جهانی ۲۰۱٤ برزیل بالاتر از کریستیانو رونالدو و نیمار در رده نخست قرار گرفت تا عنوان گران‌ترین بازیکن تاریخ این مسابقات هم لقب بگیرد.
روزنامه لا ناسیون آرژانتین در گزارشی درباره ارزشمندترین بازیکنان جام جهانی اعلام کرد لیونل مسی با ۱۳۹ میلیون دالر گرانقیمت‌ترین بازیکن جام جهانی است و توانسته بالاتر از کریستیانو رونالدو پرتغالی با ۱۰٤ میلیون دالر و نیمار با ٦۷ میلیون دالر قرار بگیرد. این روزنامه شرایط فعلی بازیکنان و قیمت فعلی آنان را مورد ارزیابی قرار داده است. این در حالی است که فوق‌ستاره آرژانتینی در سال ۲۰۱۳ با مصدومیت‌هایی که پشت سر گذاشت نتوانست درخشش خود در سال ۲۰۱۲ را تکرار کند.
❁ ۱۰ بازیکن گرانقیمت جام جهانی ۲۰۱٤ برزیل را به شرح زیر اعلام کرد:
۱- لیونل مسی (آرژانتین) ۱۳۹ میلیون دالر
۲- کریستیانو رونالدو (پرتغال) ۱۰٤ میلیون دالر
۳- نیمار (برزیل) ٦۷ میلیون دالر
٤- ادینسون کاوانی (اروگوئه) ٦۳ میلیون دالر
۵- رادامل فالکائو (کلمبیا) ۵۹ میلیون دالر
٦- مسوت اوزیل (آلمان) ۵٤ میلیون دالر
۷- آندرس اینیستا (اسپانیا) ۵۳ میلیون دالر
۸- ماریو گوتسه (آلمان) ٤۸,٤ میلیون دالر
۹- وین رونی (انگلیس) ٤۸,۲ میلیون دالر
۱۰- فرانک ریبری (فرانسه) ٤٦ میلیون دالر

مدیر مسؤول: نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار : روح الله یوسف زاده
مدیر خبر : امیری
گروه نویسنده‌گان: حلیمه حسینی،احمد عمران و کاوه جبران
گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
برگ آرایی: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com **وب سایت:** www.mandegardaily.com
شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ – هرات: ۰۷۹۳۸۹۹۴۴۶
مسؤول توزیع: حبیب الله – ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸
نشانی: چهارراهی حصهٔ دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچهٔ پنجم

شماره‌گان: ۵۰۰۰
به جز «سخن ماندگار، مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان بر می‌گردد.

Year 5 ❁ NO 1210 ❁ Saturday 4 January 2014

DAILY
Mandegar

آلمان:

راه جلوگیری از فاجعه در افغانستان کمک غیرنظامی است

وزیر کمک‌های انکشافی آلمان گفته است که برای تداوم ثبات در افغانستان به تداوم کمک‌ها در بخش بازسازی غیرنظامی ضروری است. از سوی دیگر، فرمانده نیروهای آلمانی در افغانستان خواستار هواپیماهای بی‌پیلوت جنگی شده است.

گیرد مولر، وزیر کمک‌های انکشافی آلمان گفته است که پارلمان (بوندستاک) این کشور در مجوز جدید حضور سربازان آلمانی در افغانستان باید مکلفیت‌های غیرنظامی را نیز به طور دقیق روشن سازد.

به گزارش دویچه وله، مولر در گفت‌وگویی با روزنامه آلمانی «راینشه پست» که در شماره روز جمعه نشر شد، گفته است که «در مجوز جدید باید بازسازی غیرنظامی جایگاه وسیعی داشته باشد».

مولر افزوده است: «اگر نمی‌خواهیم که بعد از خروج نیروهای رزمی (از افغانستان) شاهد فاجعه بزرگی باشیم، باید روی این نکته توجه کنیم که مکاتب، جاده‌ها، بازارها و مشاغل و کار وجود داشته باشند».

در حال حاضر حکومت آلمان در این ساحه سالانه ٤٣٠ میلیون یورو هزینه می‌کند. مولر گفته است: «ترس از آن است که ما برای فعالیت‌ها در بخش بازسازی غیرنظامی پول بیشتر ضرورت داشته باشیم».

وزیر کمک‌های انکشافی آلمان گفته است که می‌خواهد با فرانک والتر شتاین مایر وزیر خارجه و اورزولا فون دیر لاین، وزیر دفاع آلمان در این رابطه گفت‌وگو کند.

مجوز عملیات جنگی سربازان آلمانی در افغانستان تا اخیر ماه فبروری است. تا بهار باید برنامه‌یی برای ماموریت بعدی سربازان آلمانی در افغانستان تدوین شود. قرار است که حدود ۸۰۰ سرباز اردوی فدرال آلمان برای آموزش و مشورت دادن به سربازان افغانستان در این کشور باقی بمانند.

هواپیمای بی‌پیلوت جنگی

اتحادیه اردوی آلمان و فرمانده نیروهای آلمانی در افغانستان جهت حفاظت از جان سربازان شان خواهان داشتن هواپیماهای بی‌پیلوت جنگی شده اند. این درحالی است که در مورد مساله داشتن هواپیماهای بی‌پیلوت جنگی در جریان مذاکرات برای تشکیل ایتلاف بزرگ حکومتی در آلمان نظر صریحی به وجود نیامد.

اندره ووستر، رییس اتحادیه سربازان اردوی فدرال آلمان به خبرگزاری آلمان (دی پی اِی) گفته است که هواپیماهای بی پیلوت جنگی «قابلیتی است که ما هم می‌توانیم از آن استفاده کنیم». او افزوده است: «وقتی که سربازان به ماموریت فرستاده می‌شوند، می‌بایست تجهیزات مناسب هم در دسترس‌شان قرار داده شود».

تورن جنرال یورگ فولمر، فرمانده سربازان اردوی در افغانستان نیز به عین ترتیب اظهار نظر کرده است. او به خبرگزاری (دی پی اِی) گفته است: «من بدون تردید این را وسیله‌یی می‌دانم که بهترین حفاظت ممکن را برای سربازان ما تضمین می کند». هواپیماهای بی پیلوت جنگی می‌توانند بدون وقفه برای ٢٤ ساعت یک منطقه معین را دیده بانی کنند و با احساس خطر احتمالی سلاح مناسب را استعمال کنند.

اتحادیه سربازان اردوی آلمان در مورد داشتن هواپیماهای بی پیلوت جنگی خواهان تصمیم سریع اورزولا فون دیر لاین، وزیر دفاع آلمان فدرال است. این اتحادیه تقاضا می کند که سربازان آلمانی باید پیش از آغاز ماموریت آموزشی برنامه ریزی شده سر از سال ۲۰۱۵ چنین هواپیماهایی داشته باشد.

هیلموت کونیگهاوس، متصدی نیروهای مسلح در پارلمان آلمان از مطرح‌شدن جدی موضوع هواپیماهای بی پیلوت در مباحثات جانبداری می کند. او به خبرگزاری (دی پی اِی) گفته است: «مسأله بر سر آن است که در قبال یک خطر برای سربازان ما و یا متحدان ما نباید صرفاً نظاره گر باشیم، بلکه قادر باشیم اقدام کنیم... نباید سربازان را بی دفاع بگذاریم».

اورزولا فون دیر لاین در نخستین دیدارش با سربازان آلمانی در افغانستان به آنها اطمینان داد که همه وسایل مورد نیاز برای حفاظت شان را فراهم می سازد و از پرداختن هیچ بهایی برای تهیه این وسایل خودداری نمی‌کند.

در قرارداد ائتلافی بین احزاب مختلف حکومتی، مسأله داشتن هواپیماهای بی پیلوت جنگی رد نشده است. فرانک والتر شتاین مایر، که قبلاً رییس هیأت سوسیال دموکرات‌ها در گفت‌وگوها بر سر تشکیل حکومت ائتلافی بود، گفته بود که واضحاً تهیه هواپیماهای جنگی بی پیلوت برای این دوره تقنینیه مطرح نیست.

در حال حاضر اردوی آلمان تنها به هواپیماهای بی پیلوت اکتشافی دسترسی دارد. بزرگترین آنها نوع «هیرون ۱» ساخت اسرائیل است که برای عملیات افغانستان اجاره گرفته شده است. قرارداد کنونی اجاره این هواپیما در ماه اکتوبر ٢٠١٤ پایان می‌یابد. اما با اینهم می‌تواند برای شش ماه دیگر نیز تمدید شود.

نشست نقد شعر جوان کابل برگزار شد

بیست و نهمین برنامهٔ نقد و بررسی شعر جوان کابل، توسط کانون فرهنگی دریچه برگزار گردید.

در این برنامه، نظری پریانی مدیرمسوول رونامهٔ ماندگار و هادی میران شاعر و نویسنده، به نقد و بررسی شعرهای خوانده شده توسط شاعران پرداختند.

سلام سنگی از سینماگران به‌نام افغانستانی که چندی‌ست از غربت به کشور برگشته است مهمان ویژهٔ بیست و نهمین برنامهٔ نقد شعر جوان کابل بود.

در این برنامه، شمار زیادی از شاعران مقیم کابل اشتراک ورزیده و به خوانش سروده‌هایَ تازهٔ خود پرداختند که توسط منتقدین به نقد گرفته شد.

کانون فرهنگی دریچه یک‌سال و اندی پیش از این، توسط شماری از شاعران و نویسنده‌گان به منظور نقد و بررسی کارهای فرهنگی جوانان پایه‌گذاری شد و تا حال بیست و نه برنامه از سلسله برنامه‌های نقد و بررسی شعر را برگزار کرده است.

شاعران از برگزاری این برنامه ابراز خُرسندی کرده، آرزو بردند تا برگزاری چنینَ برنامه‌هایی ادامه داشته باشد.

بیست و نهمین برنامهٔ نقد شعر جوان کابل با زمزمهٔ شعرهای شهیدعبدالقهارعاصی توسط سلام سنگی و گفت‌وگوهای آزاد به پایان رسید.

اعتراض به لایحهٔ تنظیم فعالیت‌های رسانه‌های همه‌گانی دردوران انتخابات

کمیسیون رسانه‌های کمیسیون مستقل انتخاب، طرحی را زیر نام«لایحهٔ تنظیم فعالیت‌های رسانه‌های همه‌گانی در دوران انتخابات» در نشستی که در هوتل کابل استار برگزار شده بود، با مسوولان و فعالان رسانه‌ها، شریک ساخت.

در این نشست، بحث‌هایی در مورد این لایحه صورت گرفت و انتقاداتی بر آن وارد شد.

به گونهٔ مثال، در بخشی از این لایحه آمده است که رسانه‌ها نمی‌توانند تا آغاز رسمی مبارزات انتخاباتی: «... آمار ونظرسنجی‌ها مربوط به سطح نفوذ کاندیدان دربین مردم، که به نحوی انعکاس دهنده کمپاین به نفع یا ضرر کاندید ویا کاندیدان تصور گردد نشر، پخش و چاپ نمایند.»

اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان به این باور است که در بخش‌هایی از این لایحه، مشکلات و نواقصی وجود دارد که باید قبل از اجرای آن، رفع گردد.

مثلاً در همین موردی که در بالا ذکر شد، اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان به این باور است که در همهٔ کشور هایی که نظام های شان بر اساس انتخابات به وجود می آید، قبل از انتخابات نظر سنجی هایی در مورد نامزدان و احتمال پیروزی شان به راه انداخته می شود و نتایج آن در اختیار مردم، قرار می گیرد.

ما تاکید داریم که نباید رسانه‌ها از نشر و پخش نظر سنجی‌ها در مورد نامزدان انتخابات منع شوند؛ بلکه باید میکانیزمی از سوی کمیسیون مستقل انتخابات طرح شود که دقت و شفافیت این گونه نظر سنجی ها را تامین نماید.

اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان، نظریات و پیشنهادات دیگری هم در مورد این لایحه دارد که در یک نامهٔ رسمی عنوانی کمیسیون رسانه‌های کمیسیون مستقل انتخابات، فرستاده شده است.

مسوولان کمیسیون رسانه‌های کمیسیون مستقل انتخابات نیز در نشست روز گذشته، وعده دادند که نظریات و پیشنهادات مسؤولان و فعالان رسانه یی را در مورد تعدیل بخش هایی از این لایحه در نظر می گیرند.

اتحادیهٔ ملی ژورنالیستان افغانستان، انتظار دارد که مسوولان، به این وعدهٔ شان، عمل بکنند، تا فضای بهتر و کاملاً حرفه‌یی و معیاری برای پوشش انتخابات، به رسانه‌ها و خبرنگاران کشور، میسر گردد.

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دفـاتر
سه ماهه – ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه – ۲۵۰۰ افغانی
نه مـاهه – ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله – ۵۰۰۰ افغانی

نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه – ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه – ۲۰۰۰ افغانی
نه مـاهه – ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله – ٤٠٠٠ افغانی

روزنامهٔ ماندگار
Mandegar Daily newspaper

دفاتر خارجی
سه ماهه – ۱۰۰ دالر
شش ماهه – ۲۰۰ دالر
نه ماهـه – ۳۰۰ دالر
یک ساله – ٤٠٠ دالر

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه
سه ماهه – ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه – ۲۰۰۰ افغانی
نه مـاهه – ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله – ٤٠٠٠ افغانی

حساب بانکي روزنامه ماندگار در میوند بانك: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸٤۳۰۱٦٤۰